

قانون‌گزینی در ایران: تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی - فرهنگی

دکتر حسن دانایی‌فرد^۱

تاریخ دریافت: ۸۷/۴/۲۴

دکتر عادل آذر^۲

تاریخ پذیرش: ۸۹/۶/۲۵

علی صالحی^۳

چکیده

استحکام و انسجام هر جامعه‌ای، توجه به قانون و رعایت آن است و قانون‌پذیری و قانون‌گرایی در جامعه به منزله پذیرش منطق قانون است. با وجود این، برخی از انسانها روی از قانون برمی‌گردانند و قانون‌شکنی می‌کنند. برای تبیین دلایل قانون‌گزینی همانند هر پدیده اجتماعی دیگر باید از زوایای مختلف به آن نگاه کرد. به این ترتیب، سؤال اصلی پژوهش این است که «چه عواملی (سیاسی، مدیریتی، اقتصادی، قانونی و اجتماعی - فرهنگی)، قانون‌پذیری را موجب می‌شوند؟» در این راستا، هدف اصلی پژوهش ارائه مدلی برای شناسایی عوامل تأثیرگذار در قانون‌گزینی در ایران بوده است. در تحقق این امر، پژوهشگران ضمن مرور کامل مبانی نظری پژوهش و نیز انجام مصاحبه‌های اکتشافی با خبرگان امر، با استفاده از روش توصیفی - پیمایشی به شناسایی مؤلفه‌ها و متغیرهای اصلی پژوهش پرداخته و با انتخاب اعضای نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس، فرضیه‌های پژوهش در بین اساتید دانشگاه‌های کشور را مورد سنجش قرار داده‌اند. بر اساس یافته‌های تحقیق، به طور کلی عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی - فرهنگی در قانون‌گزینی افراد جامعه تأثیر گذارند. لذا بی‌توجهی به هر یک از این عوامل می‌تواند منجر به قانون‌گزینی افراد در جامعه شود.

کلید واژه‌ها

قانون / قانون‌گرایی / قانون‌گزینی / عوامل سیاسی / اقتصادی / مدیریتی / قانونی و اجتماعی - فرهنگی

۱- استادیار دانشگاه تربیت مدرس (hdanaee@modares.ac.ir)

۲- دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

۳- پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات مدیریت و بهره‌وری ایران (Salehi_ak@yahoo.com)

۱- مقدمه

زندگی اجتماعی برای انسان یک ضرورت اجتناب ناپذیر و لازمه زندگی اجتماعی نیز، نظم، امنیت و عدالت است. در این راستا هر چیزی که بتواند زندگی اجتماعی را برای انسان کارآمدتر سازد، باید مورد توجه جدی قرار گیرد. از جمله این پدیده‌ها قانون است که انسان‌ها در پرتو آن می‌توانند علاوه بر بهره‌مندی از زندگی اجتماعی، از حقوق طبیعی خود نیز برخوردار شوند. بنابراین، می‌توان گفت که محور استحکام و انسجام هر جامعه‌ای، توجه به قانون و رعایت آن است.

قانون در لغت به معنای رسم، دستور، مقیاس، سؤال، طرز و غیره آمده (فرهنگ عمید، ۱۳۷۱: ۹۳۳) و در اصطلاح متداول، قانون به ضابطه کلی گفته می‌شود که بر رفتارهای افراد در عرصه‌های مختلف حاکم است (گرگی، ۱۳۶۷: ۱۹۹). قانون‌پذیری و قانون‌گرایی در جامعه به منزله پذیرش منطق قانون است، بدین معنا که هر رفتار و فعالیتی بتواند به شکل قانونی انجام شود. این امر به معنای ایستایی قانون نیست، بلکه مستلزم آن است که در هر مقطع از پویایی و تحرک جامعه و به تناسب آن، انسان‌ها قانون‌مدار و قانون‌پذیر باشند و این قانون‌پذیری رفتارها و فعالیت‌های آنان جلوه کند. به طور کلی در مفهوم قانون‌گرایی، عناصر هنجارپذیری، نظم‌پذیری، ثبات‌گرایی و... نهفته است (کندی و کلاره، ۱۹۸۴: ۶۱).

بنابراین، محور استحکام و انسجام هر جامعه‌ای توجه به قانون و رعایت آن است و قانون‌ستیزی روی دیگر استبداد است (شجاعی زند، ۱۳۷۹). از این رو به زعم علمای اسلام، فتنه، خشونت، بی‌نظمی و قانون‌شکنی در اسلام جایی ندارد و هدف از ادامه ادیان الهی و به ویژه اسلام، حاکمیت قانون بر زندگی بشر بوده است، ولی بنابه عللی انسان‌ها روی از قانون برمی‌گردانند و قانون‌شکنی می‌کنند. بر قانون‌گرایی دلایل مختلفی از جمله، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی مترتب است که در این پژوهش به عوامل سیاسی، مدیریتی، اقتصادی، قانونی و اجتماعی - فرهنگی می‌پردازیم. به این ترتیب، سؤال اصلی پژوهش این است که «چه عواملی (سیاسی، مدیریتی، اقتصادی، قانونی و

اجتماعی - فرهنگی)، قانون‌گریزی را تشویق می‌کند و چه عواملی (سیاسی، مدیریتی، اقتصادی، قانونی و اجتماعی - فرهنگی) قانون‌پذیری را موجب می‌شوند؟»

با طرح مسئله پژوهشی می‌توان گفت که بررسی‌های انجام شده در زمینه سوابق پژوهش، بیانگر اهمیت و جایگاه قانون و قانون‌گرایی در زندگی اجتماعی انسان‌هاست. با وجود این، ضمن تأیید غنی بودن ادبیات مربوط به قانون و قانون‌گرایی باید اذعان کرد که نوعی مسیر مشخص برای شناسایی عوامل تأثیرگذار در قانون‌گریزی به چشم نمی‌خورد. از این رو هدف اصلی این پژوهش عبارت است از: ارائه مدلی برای شناسایی عوامل تأثیرگذار در قانون‌گریزی.

اهداف فرعی پژوهش نیز به شرح زیر است:

- ۱- تأثیر عوامل فرهنگی - اجتماعی بر قانون‌گریزی؛
- ۲- تأثیر عوامل اقتصادی بر قانون‌گریزی؛
- ۳- تأثیر عوامل مدیریتی بر قانون‌گریزی؛
- ۴- تأثیر عوامل قانونی بر قانون‌گریزی؛
- ۵- تأثیر عوامل سیاسی بر قانون‌گریزی.

۲- مروری بر مبانی نظری قانون، قانون‌گریزی و قانون‌گرایی

۲-۱- تعریف قانون و ویژگی‌های آن

طبق تعاریف حقوقی و دیدگاه‌های جامعه‌شناسی، مجموعه مقرراتی که در هر جامعه‌ای وضع می‌شود تا به پشتوانه آنها مردم آن جامعه بتوانند زندگی راحت و آسوده‌ای داشته باشند و در ضمن حقوق طبیعی و اجتماعی آنها حفظ شود، حکم قانون را دارد (جوهری حقیقی، ۱۳۷۹).

به گفته یکی از حقوق دانان، قوانین حاکم بر هر جامعه به سه دسته کلی قابل تفسیر است (قراگوزلو، ۱۳۷۶: ۳۸):

۱. قوانینی که جنبه دینی و مذهبی دارند و رعایت آنها بر همه افراد جامعه واجب است، مثل پرهیز از روزه خواری که جزء مقررات مسلم دینی در جامعه اسلامی است و حتی کسانی که دین یا تابعیت دیگری دارند، باید آن را رعایت کنند.

۲. قوانین اجتماعی که خود مردم جامعه در طول سالها و سدههای مختلف وضع کرده اند و هدف آنها، استحکام ارتباطات اجتماعی است، مانند تمام ضوابطی که بر روابط انسانها حاکم است.

۳. قوانینی که از سوی مجلس یا نهادهای مجاز قانون گذاری دیگر نظیر هیأت وزیران وضع می شود و ناظر بر حفظ حقوق اجتماعی تمام افراد جامعه حتی اتباع بیگانه مقیم آن کشور است.

مقررات نوع اول و دوم دائمی و لایتنغیر است. شرع و قانون، هر دو با متخلفان از مقررات دسته اول برخورد می کنند. با متخلفان برخی مقررات دسته دوم قانون برخی از آنها به طور مستقیم و با برخی از آنها در صورت وجود شاکی خصوصی برخورد می کند. اما سومین دسته از مقررات، مقرراتی هستند که فقط قوه قضائیه و مجریه ناظر بر آنها هستند و نهادها و نیروهای مسئول بدون وجود شاکی خصوصی مجازند که با متخلفان برخورد کنند.

بنابراین، برخی قوانین دائمی هستند و تخطی از آنها در هر شرایطی و از سوی هر فردی جرم است و مجریان قانون حق برخورد با نقض کنندگان آنها را دارند؛ در حالی که برخی مقررات بر حسب شرایط خاص اجتماعی برای مدتی محدود اعمال می شوند و فقط در مدت اعتبارشان تخطی از آنها جرم است. این گروه از مقررات ممکن است گاهی سالها متروک بمانند و گاه به دلایلی در طول یک سال چندین بار اعتبار پیدا کنند.

به رغم برخی دیگر از صاحب نظران، به طور کلی سه تعریف از قانون امکان پذیر است: اول اینکه قانون ممکن است به معنای سلسله قواعدی ناظر بر

رفتار باشد که در هر نظام سیاسی دارای ارزش و اعتبار عینی است، همانند آنچه در نظریه توماس آکوپیناس دیده می‌شود. دوّم، قانون ممکن است به معنای سرجمع حقوق فردی باشد و آنچنان که امثال لاک ادعا می‌کنند، پیش از تأسیس نظام سیاسی وجود داشته و ظهور این نظام‌ها تأثیری در ماهیت آنها نداشته‌اند. سوم اینکه قانون ممکن است به معنای قوانین موضوعه دولت باشد که اعتبار آنها به تصویب مطابقت آنها با اصول مدون و غیرمدون قانون اساسی منوط است (قراگوزلو، ۱۳۷۶: ۴۳).

بدین ترتیب، قانون عبارت است از «ماحصل و مجموع تکالیف و موازین الزامی و قواعد رفتار و سلوک یک جامعه» که خواه ناخواه برابندی از حقوق عرفی و آرای حقوقی پذیرفته شده مردم است. قانون در سنخ‌شناسی وبر از انواع مشروعیت‌های دولت است و به عنوان مشروعیت عقلی مابین انواع سنتی و کاریزماتیک قرار می‌گیرد و هدفش مهار قدرت از طریق غیرشخصی ساختن عملکرد آن و به حداقل رساندن امکان اعمال آن براساس ابتکارات شخصی یا هوس‌های فرمانروایان است (آشر، ۲۰۰۵: ۱۶).

امروزه قانون مدرن، مجموعه‌ای از قوانین مصوب یا ایجابی است که دولت در جریان اعمال حاکمیت خود، آن را خواسته و بیشتر آنها از طریق تصمیمات بسیار جدید، عمومی، مستند و کلی ساخته و به آن اعتبار بخشیده است (کوائینی، ۱۹۷۴: ۱۷۳). از سوی دیگر، مجموعه قواعدی که شرایط کسب منافع و وظایف و تعهدات ناشی از مالکیت، حقوق و وضعیت اشخاص به عنوان یک فرد را در جامعه تعیین می‌کند، آشکارا نشان‌دهنده اقتدار دولت در برابر شهروندان است و در عین حال باید به گونه‌ای طراحی شوند که از تلاش فرد برای دستیابی به منفعت، حمایت به عمل آید. به این ترتیب روابط یک فرد با افراد دیگر، شکلی دقیق و قابل پیش‌بینی پیدا می‌کند و نقش متجانس همکاران متخصص را شفاف، قابل محاسبه و ارادی می‌کند.

هر نوع قانونی باید واجد برخی ویژگی‌ها و مشخصات کلی باشد (جوهری‌حقیقی، ۱۳۷۹):

۱. قانون باید قاعده‌ای باشد که در آن ذکری از مصادیق جزئی یا افراد خاص نیامده باشد و از قبل بر کلیه موارد و همه افراد به طور مطلق وضع شده باشد.
۲. حکم قانون باید مشخص و با توجه به صورت‌بندی کلی آن، تا حد امکان دقیق باشد. اندیشه حقوقی و سیاسی از سده هفدهم به بعد، معلول همین نظر درباره ماهیت قانون بوده است.
۳. کلیه عناصر و ارکان نظام حقوقی لیبرال از این قضیه ساده بر می‌آید که فرض بر آزاد بودن، مختار بودن و در کل، عاقل بودن افراد است.
۴. هر نوع حقوق طبیعی و مدنی تنها به شرطی در صحنه واقعیات سیاسی از اعتبار برخوردار است که به قالب نهادها درآمده باشد، به این معنا که بتواند در مقابل مقررات معارض قوانین وضع شده، آن حقوق را به اجرا در آورد. تنها پس از نهادینه شدن وسایل تشویق و تنبیه و اقناع است که در عالم سیاست ارگانی متولی اجرای قانون می‌شود. در این صورت است که قانونی وضع شده، معتبر و لازم‌الاجراء قلمداد می‌شود.
۵. قانون صرف‌نظر از مضمون و محتوا باید صورت کلی و عام داشته باشد و هیچ کس و هیچ گروهی را تحت هیچ شرط و تبصره‌ای از دایره شمول خود خارج نکند.
۶. مشخصه پنجم نباید این تصور را پدید آورد که شمول قانون همان کلی‌گویی با بیان دیگر است. به طور کلی، هر نظام حقوقی که مبانی قضایای خود را اصول کلی پر ابهام یا ابهام‌برانگیز قرار دهد، چیزی نیست مگر نقابی که تصمیمات فردی لجام‌گسیخته در پس آن پنهان است. یک قاعده حقوقی باید گستره وسیعی را با عنوان جامع بودن در برگیرد و در عین اینکه به اشخاص و موارد جزئی نمی‌پردازد از کلی‌گویی نیز سخت بپرهیزد، در غیر این صورت نقض غرض کرده و اهداف نویسندگان آن را برآورده نکرده است.

۷. بالاخره اینکه قانون همیشه از روش تحقیق آمال دولت سخن می‌گوید و با اهداف یا منشأ ظهور آن کاری ندارد. منشأ حقوق و اهداف یک دولت یا آرزوهای یک ملت هرچه باشند، روشی برای اجرا و تحقق نیاز دارند که در قالب قانونی عرضه می‌شوند.

قانون در بیان مالا نصّ فیه به لسانی^۱ به ترتیب اهمیت در چهار شکل زیر قابل دسته‌بندی است (جواهری حقیقی، ۱۳۷۹):

۱- قانون اساسی (اعمال قوم مؤسس)؛

۲- قوانین عادی (اعمال قوه مقننه)؛

۳- تصویب نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها (اعمال قوه مجریه)؛

۴- مصوبات انجمن‌ها و شوراها (اعمال استان‌ها، شهرستان‌ها و شهرها).

۲-۲- مقصود از قانون‌گرایی و قانون‌گرایی

گرچه برخی از مفاهیم و واژه‌ها احتیاج به توضیح ندارد، با این حال گاهی بهره‌گیری از مفاهیم چندپهلوی منشأ برخی از شبهات می‌شود که توضیح آن ضروری است. قانون‌گرایی و قانون‌گرایی از جمله این واژه‌هاست. قانون‌گرایی، یعنی حفظ و اجرای قوانین به‌طور عادلانه و رعایت حقوق همه افراد... بر اساس این تعریف، منظور از قانون‌گرایی، انجام امور محوله سازمان به بهترین نحو در چارچوب قوانین و مقررات دولتی و سازمانی به منظور دستیابی به اهداف سازمان و جلب رضایت مردم است (سازمان امور دارایی و اقتصادی اصفهان، ۱۳۸۴). بر این اساس، جامعه‌ای قانون‌گراست که در آن قوانین رعایت شود و همه مردم در برابر اجرای قوانین مساوی و رهبران آن قانون‌پذیرترین انسان‌ها باشند. به زعم برخی از صاحب‌نظران، قانون‌گرایی و قانون‌پذیری در جامعه به منزله پذیرش منطبق قانون است، بدین ترتیب که هر فعالیتی بتواند به شکل قانونی صورت پذیرد. این امر

۱- حدیث یا سخنی که با نص گفته شده یا از روی تفحص و تحقیق ثابت شده است.

مستلزم آن است که افراد جامعه در هر مقطع از پویایی و تحرک جامعه و تناسب آن، قانونمدار و قانون‌پذیر باشند و رفتارشان جلوه کامل آن باشد (کلمن، ۱۹۸۷: ۹۰).

بنابراین محور استحکام و انجام هر جامعه‌ای توجه به قانون و رعایت آن است. از این رو وظیفه دولت‌ها در برقرار عدالت اجتماعی، حاکمیت بخشیدن به قوانین است. چنانچه حکومت در اجرای صحیح قوانین و برقراری نظم قاطعانه عمل نکند، امنیت جامعه به خطر می‌افتد و سرانجام، متلاشی شدن جامعه سیاسی را در پی خواهد داشت (محمدی، ۱۳۸۱: ۲۰۸). وجود قوانین منطبق با روح و سرشت نظام سیاسی و موافق با موازین دینی و یافته‌های فرهنگی که در برگیرنده حقوق فرد و جامعه باشد به شرطی که از سوی شهروندان رعایت شود، از اصول مسلم نیکبختی و سعادت انسان‌ها در جوامع مدنی و کمال مطلوب است.

در جامعه‌ای که قانون‌گرایی و قانون‌گذاری از روند صحیح برخوردار نباشد یا قانون فاقد محتوای عقلانی باشد، می‌توان گفت که در آن جامعه قانون وجود ندارد و در این صورت، انتظار داشتن از مردم نسبت به گرایش به اجرای قانون، فاقد وجه منطقی است. اولویت دادن به مصالح فردی و گروهی در مقابل مصلحت آحاد جامعه در عرصه قانون‌گذاری و اجرا، بی‌اعتمادی به نظم و انضباط اجتماعی و قانون‌گریزی را در پی خواهد داشت (شجاعی‌زند، ۱۳۷۹). التزام چنین مردمی به رعایت قانون چیزی جز تملق و ریا و تنها تظاهر به قانون‌گرایی نخواهد بود. مقبولیت قانون و قانون‌مداری در هر جامعه‌ای امکان ظهور دولتی با اقتدار و مشروع را فراهم می‌سازد و در این مسیر آنچه برای آحاد جامعه به ارمغان می‌آید، امنیت و آزادی خواهد بود. حقوق دانان معتقدند وجود قانون تأثیر بسزایی در حل اختلافات طبقات اجتماعی دارد و وقتی قانون در جامعه حکمفرما شود، نظم و انضباط نیز به دنبال آن در جامعه به وجود می‌آید و عملکرد این عناصر، ایجاد امنیت در شئون مختلف اجتماع خواهد بود. مقبولیت قانون و قانون‌مداری در هر جامعه‌ای امکان ظهور دوستی با اقتدار و مشروع را فراهم می‌سازد و در این مسیر آنچه برای آحاد جامعه به ارمغان می‌آید، امنیت و آزادی خواهد بود (رونالدز و

همکاران، ۱۹۹۰: ۲۳۹). تزلزل، ناراحتی، اغتشاش و بی‌اطمینانی، مهم‌ترین شاخص‌های قانون‌گرایی افراد است و در این مواقع هرج و مرج در جامعه پدید می‌آید. ولی اگر مردم و مسئولان قانون‌گرا باشند، از لحاظ شخصیت عاطفی نیز دانا و مستعد هستند و هر مشکلی را از سر راه رشد و ترقی خود برخواهند داشت. افراد جامعه قانون‌گرا به هم عشق می‌ورزند و همدیگر را دوست دارند و هر کسی ضرر دیگری را ضرر خود و منافع دیگری را منافع خود می‌داند. در این باره باید گفت که توجه به قانون و قانون‌گرایی، مهم‌ترین عامل بازدارنده تفرقه در جامعه است (شجاعی‌زند، ۱۳۷۹).

گاهی بهره‌گیری از واژه قانون‌گرایی مفهوم جامعه مدنی غربی را تداعی می‌کند، در حالی که یکی از ویژگی‌های جامعه اسلامی، حاکمیت قانون است و جامعه مدنی اسلامی که ریشه در مدینه النبی دارد با جامعه مدنی غربی که ریشه در یونان و روم دارد، تفاوت ماهوی دارد. به عبارت دیگر، جامعه ایده‌آل الهی با جامعه مدنی غربی تفاوت‌های اساسی دارد که در اینجا به بیان دو تفاوت بسنده می‌کنیم (منصورنژاد، ۱۳۷۸: ۲۵-۳۲):

۱. ساختار قانون‌گذاری: در جوامع غیردینی معمولاً قانون‌گذار خردمندان آن جوامع هستند، در حالی که در جامعه اسلامی قانون‌گذار خداوند است (لا حکم الا لله). طبیعی است جامعه‌ای که قانون‌گذار آن خداوند است با جامعه‌ای که قوانین آن ساخته و پرداخته فکر بشری است، تفاوت بنیادی دارد. از این روست که اسلام تنها دین پذیرفته شده و مقبول راه دین است «و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه».
۲. در جامعه اسلامی اصولی به عنوان ارزش‌های دینی مطرح است که این عناصر در جامعه مدنی غربی یا اصلاً وجود ندارد یا فراموش شده است. در جامعه الهی، معنویت یکی از محوری‌ترین ارزش‌هاست، چنانکه در معارف اسلامی به عنصر معنویت توجه خاص شده است. اولین شعار جامعه اسلامی، حاکمیت معنویت بوده است. پیامبر(ص) مردم را به عبودیت خدا و آزادی معنوی فراخواند و با اجرای قوانین الهی و با بهره‌گیری از

اصل معنویت توانست از انسان‌های وحشی انسان‌های قانونمند و متمدن بسازد، چنانکه ویل دورانت می‌نویسد: "اسلام تا آنجا پیش رفت که توانست انسان‌های وحشی، را که به هیچ قانونی پایبند نبودند، به انسان‌های متمدن و قانونمند و صالح تبدیل کند و دل‌هایی را که از جاهلیت و گمراهی مرده بود به دل‌های زنده‌مشحون از نور امید و شجاعت مبدل سازد و عقل‌های متین و محکم پدید آورد و سپس چنان آزادی در جامعه به وجود آورد که موجب تکامل افکار بشر در همه‌زمان‌ها شد (خیری، ۱۳۷۹: ۲۱-۲۲).

قانونمندی در سیره و گفتار معصومان (ع) نیز پدیدار است و آن بدین معناست که آنان قوانین الهی را عادلانه اجرا و حقوق همگان را در سایه حاکمیت قانون خدا رعایت کردند و خود، قانونمندترین انسان‌ها بودند (انصاری، ۱۳۷۷: ۱۶-۱۸). همچنین همه‌خردمندان بر ایجاد جامعه ضابطه‌مند و قانون‌گرا اتفاق نظر دارند و عوامل مختلفی را برای ایجاد چنین جامعه‌ای معرفی کرده‌اند. این دسته از صاحب‌نظران، تئوری‌ها و عواملی را بیان کرده‌اند که پرداختن به آنها در این نوشتار نمی‌گنجد. گفتنی است که عناصری مانند قانون‌گرایی مسئولان، وضع قوانین مناسب (الهی بودن، تلفیق شرع و عقل، هماهنگی با فطرت، معادباوری)، آشنایی با قوانین، حفظ و اجرای قوانین، اهتمام به اجرای قانون، برابری در قبال قانون و احترام به نهادهای قانون‌گذار به کرات در منش و گفتار معصومان (ع) و بزرگان دین ذکر شده است.

۲-۳- ابعاد قانون‌گریزی

طبق قانون، هیچ فرق و مزیتی بین افراد جامعه وجود ندارد و نقض قانون از ناحیه هر کس که باشد، جرم به حساب می‌آید. اما برخی قانون‌شکنی‌ها صرف نظر از آسیبی که به روند عادی زندگی اجتماعی می‌زند، ممکن است مخاطراتی نیز برای افراد یا فرد خاصی داشته باشد یا مشکلاتی برای آنها ایجاد کند. در مواردی هم ممکن است تخلف از مقررات خطرات جانی یا مالی را متوجه متخلف سازد.

مهم‌ترین گواه این مدعا آن دسته از تصادفات رانندگی است که بر اثر بی‌اعتنایی به قوانین پدید می‌آید.

بنابراین، ارتکاب برخی جرایم نظیر قاچاق مواد مخدر، تقلب در تولید مواد غذایی و دارویی، ایجاد اخلاص‌های اقتصادی و ... در حکم نادیده انگاشتن حقوق مردم جامعه است و قانون‌گذار برای حفظ حقوق و جامعه مجازات‌هایی را برای مرتکبان این گونه جرایم تعیین کرده که اعمال آنها به محض اثبات جرم و بدون آن که نیازی به وجود شاکی خصوصی باشد، تحقق می‌یابد. در حالی که جرایمی دیگر نظیر جعل اسناد دولتی، حساب‌سازی به منظور فرار از پرداخت مالیات، اختلاس، ارتشا و ... علاوه بر لطمه زدن به حقوق ملت باعث وارد آوردن خساراتی به بیت‌المال می‌شود و در این صورت، ضمن مجازات‌های در نظر گرفته شده برای قانون شکنان، و مرتکبان نقض قانون ملزم به جبران ضرر و زیان وارد شده به بیت‌المال نیز هستند (آبکناری، ۱۳۷۷).

۲-۴- علل قانون‌گریزی

نظم‌ستیزی و قانون‌گریزی در جامعه امروز ما علل متعددی دارد که نظر به بستر ظهور و تأمل در ریشه‌های عمیق‌تر نهفته در پس این عوامل، می‌توان آنها را در سه حوزه متفاوت از یکدیگر تفکیک کرد و مورد بررسی قرار داد (عباسی، ۱۳۷۷):

۲-۴-۱- نقصان موجود در قوانین:

علی‌رغم اینکه جامعه انقلابی ما برخلاف سنت و عادت جاری در تجربه انقلابی جوامع دیگر که با دوره‌هایی طولانی از بی‌نظمی و بی‌قانونی و حاکمیت مطلقه رهبران انقلابی مواجه بوده‌اند، سریع‌تر از آنچه که تصور می‌شد و انتظار می‌رفت، در مجرای متین و متعارف حاکمیت و قانون و استمرار نهادهای متکی بر آن قرار گرفت، اما طبیعت و مقتضای این تحول عمیق و دگرگونی ناگهانی، میزانی از نظم‌شکنی و قانون‌گریزی را لااقل در مراحل آغازین خویش ایجاب می‌کرد و طبعاً در چنین بستری، بازگرداندن جامعه به سوی پذیرش نظم و تمکین نسبت به قانون

با دشواری‌هایی همراه بوده و بدیهی است که این بازگشت به صورت کامل و همه‌گیر تحقق نخواهد داشت.

ضرورت اجتناب‌ناپذیر بازگرداندن نظم و قانون به جامعه و سرعت عملی که در این راه صرف شد از یک سو و تغییرات مهم و حادی که در جهت‌گیری و محتوای بسیاری از قوانین گذشته به منظور فراهم آوردن زمینه‌های تحقق آرمان‌های انقلاب و جاگیر شدن ارزش‌های جدید از سوی دیگر صورت گرفت، شرایطی را بر دستگاه‌های قانون‌گذار تحمیل کرد که طبیعی نبود و لذا امکان همه‌جانبه‌نگری و بهره‌برداری مفید از نظرات کارشناسانه را در حین بررسی و تصویب قوانین از آنها سلب کرد و نقصان‌هایی را در قوانین مصوب به وجود آورد. علاوه بر این، لزوم ایجاد تغییرات فراوان قانونی در یک برهه کوتاه موجب شد که در مجموعه نظام قانونی کشور برخی تناقضات و تعارضات بروز کند که خود، ضرورت اصلاحات و الحاقات بعدی را به صورت مکرر در متن قوانین پدید آورد. به علاوه، این برهه از حیات پرتلاطم جامعه به ناچار با دوره‌ای مصادف شد که تمامی قوانین مصوب، فرایند آزمون و خطای خویش در صحنه عمل و در عرصه واقعیت را همزمان با هم می‌پیمودند و طبعاً در چنین بستر سیال و لغزنده‌ای، شرایط مناسب برای قوام یافتن نظام قانونی کشور فراهم نیامد (شجاعی‌زند، ۱۳۷۹).

تمامی این شرایط و مجموعه آن عوامل، در دو دهه گذشته وضعیتی را در جامعه ما پدید آورده است که با وجود تمایل و تلاش رهبران جامعه و آمادگی مردم برای نهادینه ساختن نظم و قانون در کشور، این امر به صورت جامع و کامل محقق نشود.

۲-۴-۲- ضعف در اجرای قانون

قدرت و صحت عمل قوه قضائیه در یک جامعه، مهم‌ترین عاملی است که می‌تواند سلامت و بقای آن را تضمین کند. دسته‌ای از عوامل قانون‌گریز و نظم‌ستیز در کشور ما به نارسایی‌هایی برمی‌گردد که در دستگاه قضایی کشور و اجزای پیوسته آن یعنی نیروی انتظامی، سازمان زندان‌ها و ... وجود دارد. ضعف بنیه قضایی

کشور، چه از جهت کمیت قضات و چه از جنبه تجربه آنان، ناکارآمدی دیوان سالاری موجود در دادگستری که باعث کندی کار تعقیب و مجازات مجرمان می‌شود، وجود دادگاه‌های متعدد، رویه‌های مختلف و مراحل پیچیده و فراوانی که در یک پرونده قضایی، از طرح دعوا تا صدور حکم باید طی شود، عدم قاطعیت و وجود گریزگاه‌های قانونی و غیرقانونی فراوان که امکان فرار از مجازات را به سادگی در اختیار مجرمان قرار می‌دهد، عدم ارتقای سطح توانایی ضابطان قضایی و انتظامی، همگام با افزایش جمعیت خلافکاران، سرگردانی نیروی انتظامی میان سه دستگاه متولی (فرماندهی کل قوا، وزارت کشور و دستگاه قضایی) کمبود شدید فضا و امکانات بازداشت‌گاه‌ها و ناتوانی متولیان آن در کنترل مناسب این محیط و به وجود آوردن فضای سالم و تربیتی در زندان‌ها و ... از جمله نارسایی‌هایی است که در چارچوب «ضعف در اعمال قانون» می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

ضعف نظام در اعمال جدی و قاطعانه قانون و بازبودن منته‌های فرار از آن، باعث جرأت پیدا کردن خلافکاران به ادامه و گسترش خلافتکاری است. با زیان و آسیبی که از این طریق به شهروندان پایبند به قانون وارد می‌آید و بهای سنگینی که بابت قانون‌گرایی خویش می‌پردازند، موجبات جذب ناخواسته آنان به صف قانون‌شکنان و تسری فرهنگ قانون‌گریزی و نظم‌ستیزی در بخش‌های دیگر جامعه فراهم می‌آید (شجاعی‌زند، ۱۳۷۹).

۲-۴-۳- ضعف در پذیرش قانون

بررسی و تحلیل عوامل مذکور در دو بخش پیشین، نیازمند تأمل صاحب‌نظران حقوقی و کارشناسان مجرب در عرصه مدیریت و تشکیلات است. اما بحث سوم که به بررسی موانع موجود بر سر راه پذیرش قانون از سوی مردم اختصاص دارد، عرصه پژوهش صاحب‌نظران روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسان است. برخی از صاحب‌نظران در بررسی این وضعیت و بیان دلایل عدم تمکین مردم ایران در برابر قانون، به سراغ گذشته تاریخی این سرزمین رفته و دوره‌های متوالی ظهور حاکمیت‌های استبدادی و فراقانونی از پی میان پرده‌های هرج و مرج و بی‌قانونی در

کشور را عامل اصلی رشد فرهنگ بی‌اعتنایی نسبت به قانون و ستیز با نظم در ایران دانسته‌اند. هرچند مخالفتی جدی با ارائه چنین تصویری از گذشته تاریخی جامعه ایران وجود ندارد، ولی نتیجه‌گیری فرهنگی از آن، محل تردید است، به ویژه اگر قرار باشد آن را به عنوان خصیصه ذاتی و ویژگی اجتناب‌ناپذیر فرهنگی - شخصیتی مردم ایران قلمداد و تلاش کرد تا همچون عنصری جدا نشدنی به نگرش و رفتار مردمان دوره کنونی و ادوار بعد از این نیز تعمیم داد.

انسان‌ها موجودات ذی‌شعور و صاحب اراده‌ای هستند که در عین پیروی از هنجارهای اجتماعی جاری در جامعه و اهتمام در منطبق ساختن رفتارهای خویش با انتظارات دیگران، پیوسته در کار بازبینی، تجدیدنظر و خلق جدیدی در نگرش و کنش‌های خویش‌اند. هر چند تمایل عمومی و عادت عامه به سوی تبعیت از هنجارها معطوف است، اما در میان ساده‌ترین اعضای یک جامعه نیز این دو عنصر اساسی که مقوم انسان بودن ایشان است، یعنی آگاهی و اراده، کاملاً تعطیل نمی‌شود. لذا مقبول‌تر آن است که به جای ارائه تصویری غیرارادی و مبتنی بر عادت از واکنش‌های قانون‌گريزانه و نظم‌ستیز افراد با رویکردی عمیق‌تر به مسئله به سراغ یافتن پاسخ برای این پرسش رفت که چرا مردم اغلب از قانون سر برمی‌تابند و نظم اجتماعی را زیر پا می‌گذارند؟

عمل ارادی و آگاهانه مردم در نقض قوانین و برهم زدن نظم و بی‌اعتنایی به انضباط اجتماعی، گویای این حقیقت دردناک است که آنان صلاح خویش را لااقل در لحظه ارتکاب و آینده نزدیک، در آن دیده‌اند، یعنی تجربیات مکرر گذشته بر آنها چنین ثابت کرده است که هزینه عمل به قانون و تبعیت از نظم به مراتب بیش از ستانده‌ای است که از آن به دست می‌آید. نمی‌توان از عامه مردم صاحب اراده و ذی‌شعور انتظار داشت که تنها برحسب برخی توصیه‌های اخلاقی و تهدیدهای نامحتمل یا با احتمال کم، تن به هزینه‌های سنگین قانون‌گرایی بدهند، آن‌هم در شرایطی که نظاره‌گر از دست رفتن حق خویش به دست قانون‌شکنان حرفه‌ای هستند.

نقصان و تعارض در خود قانون و ضعف در مجریان و ضابطان اجرای قانون طبعاً شرایطی را پدید می‌آورد که فرد تابع قانون از فعل خویش احساس رضایت نکند و به تدریج، اعتماد و اتکال خویش به قانون و مجریان آن را از دست بدهد و ناگزیر پس از چندی مقاومت، به راهی درافتد که پیش از او خاطیان دیگر آن را با موفقیت‌های نسبی پیموده‌اند و هموار کرده‌اند (شجاعی‌زند، ۱۳۷۹).

این فرایند انتقال یک سویه افراد از دایره قانون‌گرایان به دایره قانون‌گریزان و قانون‌شکنان تا زمانی ادامه می‌یابد که هزینه عمل به قانون در کل، بیش از هزینه نقض آن باشد. به جز عوامل مذکور، در بحث از موانع موجود در راه پذیرش قانون، می‌توان به برخی از عوامل اجتماعی نیز اشاره کرد که فراتر از انتخاب ارادی و آگاهانه فردی در جامعه عمل می‌کند.

۲-۴-۴- ساختار اجتماعی نابرابر

ساختار اجتماعی جوامع هنگامی به سمت نابرابری و عدم تعادل سوق پیدا می‌کند که بر بستری از بی‌قانونی و لاقفل به اعتنایی نسبت به قانون استوار شده باشد. یعنی نطفه شکل‌گیری نابرابری‌ها اصولاً در جایی بسته می‌شود که عده‌ای با نادیده گرفتن قانون یا با سوء استفاده از فرصت‌هایی که منقذهایی به ظاهر قانونی در اختیار آنان می‌گذارد، سهم دیگران را به نفع خویش تصاحب می‌کنند و با کسب درآمدهای هنگفت، فرصت‌های کمیاب بعدی را نیز نصیب خود می‌سازند. دوام ساختار نابرابر اجتماعی نیز جز با ادامه نقض قانون و سوء استفاده از موقعیتی که نوعاً در اختیار طبقات بالایی اجتماعی است و از آن طریق قانون‌گذاران و مجریان قانون را نیز رام و همراه می‌سازند، میسر نیست. ساختار اجتماعی نابرابر، طرفی دیگر در آن سوی اجتماعی دارد که طبعاً با مشاهده این وضعیت که همه چیز بر مدار خواسته صاحبان مکنت و سرمایه می‌چرخد و به سوی آنان میل می‌کند و قانون و مجری نیز توان اهتمام لازم را در واژگونه ساختن این اوضاع به خرج نمی‌دهند، بی‌اعتماد و ناامید، به عنصری ضد قانون و ضد نظم تبدیل می‌شود.

به عبارت دیگر، ساختارهای اجتماعی نابرابر نه تنها برخاسته از نقص و نقض قانون هستند، بلکه خود پدیدآورنده زمینه های اعمال تبعیض در وضع و اجرای قوانین اند. وجود تبعیض در ذات قانون و در اجرای خود، زمینه های بی اعتمادی به قانون و رواج «قانون گریزی عاملانه» و «قانون شکنی معترضانه» در میان اقشار آسیب دیده از چنین شرایطی را پدید می آورد (شجاعی زند، ۱۳۷۹).

۲-۴-۵- بی هنجاری اجتماعی

جامعه امروز ایران به دلایل بسیار گرفتار نوعی بیماری است که در بیان جامعه شناسانه از آن با عنوان بی هنجاری یاد می شود. این بیماری که به دنبال وقوع تحولات ناگهانی در جوامع پدید می آید، تحت تأثیر چند عامل دیگر مثل جوان بودن ساخت سنی جمعیت ایران، بسط ارتباطات و گسترش تماس فرهنگی با جوامع دیگر و برخی تحولات اقتصادی - اجتماعی حاد در جامعه ما تشدید شده است. یکی از آثار و عوارض آشکار شیوع بی هنجاری در جامعه، قانون گریزی و نظم ستیزی است که در جامعه امروز ما به شکل گسترده ظاهر شده است (شجاعی زند، ۱۳۷۹).

۲-۴-۶- ناکارآمدی مجریان قانون

لزوم داشتن قوانین و متکی ساختن امور بر ضوابط و مقررات از پیش تعیین شده، از آنجا نشأت می گیرد که جامعه از این طریق می تواند اسباب گردش سهل و روان امور و کارکرد سالم اجرای خویش را تأمین و تضمین کند و کارآمدی دستگاه های کارگزار و مجری را افزایش دهد. در صورتی که به هر دلیل، این نتایج مورد انتظار از قانون حاصل نشود و در عمل نتواند موجبات تسهیل امور مردم را فراهم کند، طبعاً با بی اعتنایی از سوی مردم مواجه خواهد شد.

ناکارآمدی ها تنها و همیشه از نارسایی و نقص در قوانین پدید نمی آید، بلکه اغلب اوقات از ناتوانی و بی کفایتی مجریان و ناکارآمدی دستگاه های اجرایی ناشی می شود، اما در هر دو صورت، بازتاب خارجی آن در میان مردم یکی است و آن

اظهار بی اعتمادی نسبت به دولت و ابراز بی‌اعتنایی نسبت به قانون است. در چنین شرایطی، مردم ناخواسته وادار به نادیده گرفتن قانون به منظور جستن راهی برای پیشبرد کار خویش می‌شوند و در برخی موارد حادثه‌ها، به دلیل سلب اعتماد نسبت به مسئولان و متولیان اجرای قانون و مشاهده قانون‌شکنی آنان، به عنوان اعتراض، نظم و قانون را زیر پا می‌گذارند (شجاعی‌زند، ۱۳۷۹).

۲-۴-۷- گسترش دایره منهیات

جامعه به لحاظ روانی، ظرفیت مشخصی از قبول باید‌ها و نبایدها را در قالب قانون دارد. به علاوه، کثرت قوانین و مقررات به حدی که تمامی سطوح رفتاری افراد را تعیین کند و عرصه عمل ارادی و داوطلبانه اعضای جامعه را محدود سازد، به جای بهبود و تسهیل مناسبات میان اعضا و کارکرد روان و آسان اجزای جامعه آن را مختل نیز خواهد ساخت.

عموم قوانین و مقررات مرزهای عمل و حداقل‌های ناگزیر برای سامان دادن به روابط و مناسبات اجتماعی میان دولت و مردم و میان آحاد اجتماع را مشخص می‌سازد و به حیطة عمومی حیات انسان‌ها منحصر است. حال اگر جامعه‌ای با کثرت قوانین و گسترش دایره آن تا عرصه ذوقیات و تمایلات فردی مواجه شود، در واقع نوعی تکلیف‌ما لایطاق را بر اعضای خویش تحمیل کرده که پیشاپیش زمینه‌های نقض و بی‌اعتنایی نسبت به آن را پدید آورده است. به نظر می‌رسد که جامعه ما تحت تاثیر فضای انقلابی و ایدئولوژیک حاکم بر آن در دهه نخست، محدودیت‌های غیر لازمی را در برخی از سطوح و عرصه‌ها پدید آورده که یکی از تبعات آن مبتلا شدن بسیاری از افراد جامعه به قانون‌شکنان ناگزیر بوده است. اثر تبعی این نوع قانون‌شکنی، از بین رفتن قبح عمل و تسری آن به بخش‌های دیگر قانون است (شجاعی‌زند، ۱۳۷۹).

۲-۵- عوامل مؤثر بر قانون‌گزیزی

قانون‌گزیزی به‌عنوان یک رفتار نابهنجار اجتماعی، معضل بنیادین بسیاری از جوامع کنونی است. گریز از قانون و نادیده گرفتن حرمت آن، ریشه در عوامل بسیار دارد و این عوامل ممکن است از کشوری به کشور دیگر متفاوت باشد. متأسفانه این آسیب اجتماعی گریبان‌گیر کشور ما نیز شده است و همه‌ساله برخی از ارقام بودجه کشور صرف مقابله با این پدیده نابهنجار می‌شود. البته پیشگیری وقوع چنین پدیده‌ای به مراتب بهتر و حتی کم هزینه‌تر از مقابله با متخلفان و قانون‌شکنان است، اما باید توجه داشت که پیشگیری منوط به شناخت و ریشه‌یابی عوامل بروز قانون‌گزیزی است. گسترش قانون‌گزیزی در کشور ما علاوه بر ریشه تاریخی به عوامل متعدد دیگر نیز بستگی دارد که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

۲-۵-۱- قانون‌پذیر نبودن مسئولان و نهادهای حکومتی

در یک جامعه ضابطه‌مند، مخاطبان قانون فقط مردم نیستند. رابطه فرد و قانون یک بعد از جامعه ضابطه‌مند و به تعبیر بهتر بعد کم‌اهمیت آن است. بعد اصلی چنین جامعه‌ای، قانون‌مداری و رعایت قانون از سوی دولت، ارگان‌های دولتی، گروه‌های ذی‌نفوذ و به‌طور کلی حکومت است. اگر ارگان‌های حکومتی مقید به قانون نباشند، قانون‌مند کردن شهروندان غیرممکن خواهد بود. بنابراین اگر فعالیت مسئولان ضابطه‌مند باشد، رفتار و کردار شهروندان نیز قانون‌مند می‌شود و فرهنگ قانون‌گرایی به تدریج در ضمیر مردم نقش می‌بندد و به اصطلاح نهادینه می‌شود (عباسی، ۱۳۷۷).

۲-۵-۲- فقدان علم و آگاهی به وجود قوانین و مقررات

یکی از عوامل عمده قانون‌گزیزی عدم اطلاع و آگاهی افراد از قوانین و مقررات موجود است. برای اینکه قانون در جامعه حاکم شود، باید اعضای جامعه نسبت به آن شناخت و آگاهی کافی داشته باشند، یعنی شناخت قدم اول برای اجرای قوانین و مقررات است. اگر خواهان یک جامعه قانون‌مند هستیم، باید آحاد جامعه قوانین را بشناسند. هر چه آمار افرادی که قوانین را می‌فهمند و به آن دسترسی دارند، بیشتر

باشد به همان نسبت از میزان جرایم کاسته می‌شود. به این دلیل که نادانی و دودلی نسبت به اجرای مجازات‌ها به امیال و هوس‌ها میدان می‌دهد و باعث رواج تدریجی قانون‌گریزی در جامعه می‌شود (عباسی، ۱۳۷۷).

۲-۵-۳- مبهم بودن و همه فهم نبودن قوانین و مقررات

یکی از عوامل قانون‌گریزی در کشور وجود قوانین مبهم است. هنر قانون‌گذار خوب این است که قانون را به‌طور شفاف و عاری از هر نوع ابهام و اجمال تصویب کند. قوانینی که فاقد چنین خصیصه‌ای هستند، دستاویزی برای تفسیر به رأی و گریز از اجرا هستند و هر فردی با قرائت خاص خود از قلمرو و شمول چنین قانونی فرار می‌کند. بنابراین به منظور پیشگیری از وقوع جرم در جامعه باید کوشید تا قوانین روشن و ساده باشند. از آنجا که اجمال قوانین بهانه‌ای برای تفسیر فراهم می‌کند، مسلماً زیانبار است و این زیان بیشتر خواهد بود، اگر قوانین به زبان دیگری که مردم با آن بیگانه‌اند، نوشته شده باشد. به بیان دیگر، هر اندازه کسانی که قوانین را می‌فهمند، بیشتر باشند به همان اندازه از میزان جرایم کاسته می‌شود (عباسی، ۱۳۷۷).

۲-۵-۴- عدم کارایی دستگاه‌های نظارتی

یکی از عوامل قانون‌گریزی در جامعه، فقدان کارایی مناسب و کافی دستگاه‌های نظارتی است. اگر نهادهای نظارت‌کننده در پیگیری و تنبیه قانون‌شکنان کارآمد نباشند، این امر به جهات مختلف باعث توسعه و شیوع قانون‌ستیزی در جامعه می‌شود. تسامح نهادهای قانونی به‌ویژه تعلق قوه قضائیه در مقابله با قانون‌شکنان باعث جسارت بیشتر متخلفان و قانون‌ستیزان می‌شود و امید گریز از کیفر، آنها را بیش از پیش جسور و بی‌پروا تر می‌کند. وانگهی عدم کارایی ساز و کارهای قانونی موجب گسترش تقاص و اقدام خودسرانه می‌شود که این امر نیز نوعی قانون‌گریزی به حساب می‌آید (عباسی، ۱۳۷۷).

۲-۵-۵- عدم مطابقت قوانین با واقعیات و اخلاقیات جامعه

یکی از عوامل عدم استقبال مردم از اجرای قوانین موضوعه، مطابقت نداشتن آنها با اخلاقیات و واقعیات حاکم بر جامعه است. اگر قوانین موضوعه با موازین اخلاقی و واقعیات جامعه مطابقت و موافقت نداشته باشد، مردم به روش‌های مختلف سعی می‌کنند از زیر بار اجرای چنین مقرراتی شانه خالی کنند. بنابراین قانون‌گذار نباید قانونی وضع کند که با اخلاق حسنه عمومی و اهمیت طبیعی و عددی اشیا مغایرت داشته باشد، در غیر این صورت مردم از اجرای قانونی که مخالف اخلاق حسنه عمومی باشد احتراز کنند. میان احساس گریز از یک سو و هرج و مرج در روند قانون‌گذاری از سوی دیگر، رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد. در جامعه‌ای که قانون‌گذاری از روند صحیح برخوردار نباشد یا قانون فاقد محتوای عقلانی باشد، می‌توان گفت در آن جامعه قانون وجود ندارد و در این صورت، انتظار داشتن از مردم برای گرایش به اجرای قانون، فاقد وجه منطقی است (عباسی، ۱۳۷۷).

۲-۵-۶- گریز از قانون با توسل به حیل قانونی

یکی از عوامل قانون‌گریزی در جامعه استفاده ناروا و ابزار مرسوم به حیل قانونی است. در بعضی از موارد چون افراد نمی‌توانند به طور مستقیم از اجرای قانون شانه خالی کنند، دست به حيله و نیزنگ می‌زنند و برای بی‌اثر کردن قانون، راه‌گریزی ایجاد می‌کنند. این شیوه را در اصطلاح حقوق موضوعه «پدیده تقلب نسبت به قانون یا حیل قانونی» می‌گویند و اگر متوسل به چنین شگردی در مقابل محدودیت‌های ناشی از مقررات مذهبی باشد، در عرف ما به کلاه شرعی معروف است (عباسی، ۱۳۷۷).

نظر به اینکه مقاله حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی در ایران می‌پردازد، ضرورت دارد تا حد امکان مقوله قانون‌گریزی و نیز متغیرهای مؤثر بر آن مورد بررسی قرار گیرند. اما به دلیل جلوگیری از اطلاله کلام، با توجه به نظریه‌های مختلف درباره قانون و قانون‌گریزی، مهم‌ترین عوامل شناخته شده قانون‌گریزی و ارائه‌کنندگان آن به طور خلاصه به شرح جدول ۱ ارائه می‌شوند.

جدول ۱- متغیرهای الگو در مورد قانون‌گرایی

| متغیرهای الگو | پژوهشگر و سال پرداختن به موضوع |
|---|---------------------------------------|
| - عدم تصویب قوانین موضوعه مسبق به مطالعات کارشناسی و انتظارات مردم | - موسی زاده، ۱۳۸۰ و مؤمنی، ۱۳۷۶ |
| - مقابله نامطلوب و برخورد های خودسرانه با نقض کنندگان قانون | - خوش‌فر، ۱۳۷۷ و بیان، ۱۳۷۹ |
| - توجه ناکافی نهادهای مدنی و دموکراتیک نظیر مطبوعات و احزاب و نهادهای نبودن آنان | - قراگوزلو، ۱۳۷۶ و جواهری، ۱۳۷۹ |
| - فقدان نشریات تخصصی برای آشنا کردن مردم با قانون و اطلاع‌رسانی ناکافی | - پولادی، ۷۷ و شاهکار، ۱۳۷۸ |
| - کوچک انگاشتن برخی از موارد نقض قانون و تجلیل از مجرمان | - شجاعی، ۷۹ و خیری، ۱۳۷۹ |
| - کسب منافع آتی و بدون زحمت و حفظ منافع مادی | - منصور نژاد، ۱۳۷۸ و انصاری، ۱۳۷۷ |
| - پس افتادگی قوانین و طولانی بودن مسیرهای قانونی | - کاتوزیان، ۷۶ و قراگوزلو، ۷۷ |
| - منطبق نبودن برخی قوانین با مصالح و منافع برخی افراد جامعه | - محقق داماد، ۱۳۷۶ و احدی، ۱۳۷۶ |
| - داشتن روحیات ضد اجتماعی و نظم‌پذیری اندک در برخی افراد | - زراعت، ۷۸ و استون و فیشر، ۱۹۶۹ |
| - عدم توانایی در انجام وظایف | - کورنیش، ۱۹۸۹ و موخرجس و داگر، ۱۹۹۰ |
| - قبول نداشتن معیارهای اجتماعی از سوی برخی افراد | - واکر و هندسون، ۱۹۹۱ و اسپلمن، ۱۹۸۷ |
| - عادت به قانون‌شکنی و تمرین کم احاد مردم نسبت به تبعیت از قانون و نظم | - ویکتوریا، ۱۹۹۰ و الکالی، ۱۹۹۰ |
| - فقر و محرومیت یا ثروت انبوه | - اتکینسون، ۱۹۹۰ و بارنت، ۱۹۸۷ |
| - رقابت احزاب سیاسی برای سبقت گرفتن از رقیب و کسب منافع جناحی | - گیسون و ویلسون، ۱۹۸۸ |
| - فقدان قوانین خوب، تفسیر به رأی قوانین و ضعف در عدم اجرای آن | - هالستد، ۱۹۹۰ و هرلهاست، ۱۹۸۹ |
| - گستاخی انقلابی و فقدان تجربه دموکراسی | - هیرشی، ۱۹۸۳ و روبرتسون، ۱۹۸۹ |
| - تغییرالگوها در دوران سازندگی و فراهم نبودن بسترهای فکری، اجتماعی، حقوقی و ... | - میسون و ویلسون، ۱۹۸۸ و کاریکو، ۱۹۹۰ |
| - عدم درک صحیح از مفهوم حق | - موخرجی و واکر، ۱۹۹۰ نوایلس، ۱۹۸۱ |
| - پایین بودن سلامت نفس و دقت عمل مجریان قانون | - پوتاس و ویلسون، ۱۹۹۰ و روبرتس، ۱۹۸۹ |
| - افزایش جمعیت، وجود اختلاف طبقاتی و تقسیم نابرابر حقوق و امکانات اجتماعی میان شهروندان | - ساتون، ۱۹۹۱ و ویکتوریا، ۱۹۸۹ |
| - فقدان آزادی و رسوخ فرهنگ غربی | - واکر و هندرسون، ۱۹۹۱ |
| - تبعیض مسلکی، سیاسی، قضایی، اقتصادی | - آلدن و پولک، ۱۹۸۵ و باردج، ۱۹۹۷ |
| - ضعف در پذیرش قانون، کاغذبازی و عدم کارایی دستگاه دولت | - بیرد، ۱۹۸۸ و باتومز، ۱۹۹۰ |
| | - وریسویت و گرابوسکی، ۱۹۸۵ |

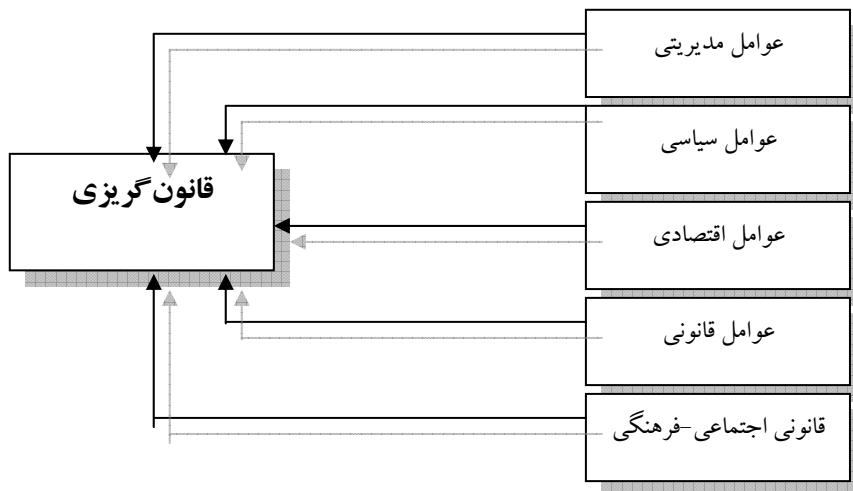
| | |
|--|--|
| <p>- پروان، ۱۹۸۵ و کارلر، ۱۹۸۰</p> <p>- روتالدز و ریچاردسون، ۱۹۹۰</p> <p>- برون و ویلدافسکس، ۱۹۸۴</p> <p>- کاسپر و بررتون، ۱۹۸۴</p> <p>- چن، ۱۹۸۷ و چیننال، ۱۹۷۷</p> <p>- کلارک، ۱۹۸۳ و کوران، ۱۹۸۸</p> <p>- اریکسون، ۱۹۸۱ و فراسر، ۱۹۸۹</p> <p>- فراکتون و سلبی، ۱۹۸۸ و گوردون، ۱۹۷۱</p> <p>- گرایسکی، ۱۹۷۷ و کرنی، ۱۹۹۰</p> <p>- کندی و کلارخ، ۱۹۸۴ و اسکارمن، ۱۹۸۱</p> <p>- پالومبو و ناچمیاز، ۱۹۸۳</p> <p>- پوتاس و ونینگ، ۱۹۹۰ و سالمن، ۱۹۸۶</p> <p>- سمپسون و اسمیت، ۱۹۸۸</p> <p>- کلینگ و پاته، ۱۹۷۶ و کانتسون، ۱۹۸۸</p> <p>- لی و یانگ، ۱۹۸۴ و کواینی، ۱۹۷۴</p> <p>- شیرینگ، ۱۹۸۹ و سیم، ۱۹۸۲</p> <p>- تیلور و والتون، ۱۹۷۳</p> <p>- ویدربورن و دوری، ۱۹۹۱ و ویلکینز، ۱۹۶۵</p> | <p>- وضعیت نامناسب معیشتی</p> <p>- فقدان سازوکارهای آموزش حقوقی</p> <p>- ناکارآمدی و قانون‌شکنی مجریان قانون و عدم کارایی دستگاه‌های نظارتی</p> <p>- مبهم و مجمل بودن و همه فهم نبودن قوانین و مقررات</p> <p>- عدم مطابقت قوانین با واقعیات و اخلاقیات جامعه</p> <p>- کوچک انگاشتن برخی از موارد نقض قانون و گریز از قانون با توسل به حیل قانونی</p> <p>- طولانی بودن مسیرهای قانونی و قانون پذیر نبودن مسئولان و نهادهای حکومتی</p> <p>- عدم مطابقت قوانین با فطرت انسان‌ها و روحیه آزادی‌خواهی ذاتی انسان‌ها</p> <p>- محدودکنندگی قانون</p> <p>- زخم کهنه فرهنگی و سیاست زدگی سازمان‌های قضایی</p> <p>- عدم مشروعیت نظام سیاسی و بی‌اعتمادی به نظام سیاسی و تعارض در قانون‌گذاری</p> <p>- پیچیده و هزینه‌بر بودن فرایند اجرای قانون و بی‌اعتمادی مردم نسبت به قانون‌گذاران و مجریان قانون</p> <p>- تبعیض در اجرای قانون و کندی سیستم قضایی</p> <p>- اهداف سیاسی و خلاف مصالح و منافع بودن برخی از قوانین برای برخی افراد</p> <p>- بی‌توجهی به مشکلات مردم و عدم مشارکت آنان در فرایند خط مشی‌گذاری کلان</p> <p>- انحصارطلبی و عدم تصدی پست‌های سیاسی توسط افراد شایسته</p> <p>- ویژگی‌های شخصیتی</p> <p>- فساد اجتماعی و اخلاقی جامعه و روابط نابرابر مردم</p> |
|--|--|

۳- طراحی الگوی نظری پژوهش

هر رشته‌ای در علم‌الاجتماع^۱ و علوم انسانی از منظری خاص به پدیده‌های انسانی و اجتماعی نگاه می‌کند. پدیده قانون‌گریزی نیز می‌تواند از منظر اقتصاد، سیاست، مدیریت، حقوق، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و ... تبیین شود. در این پژوهش بنا به دغدغه‌ی کارفرما به جای اینکه از یک زاویه به قانون‌گریزی نگاه شود، نگاهی ترکیبی به پدیده قانون‌گریزی انتخاب شده است. به عبارت دیگر، عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قانونی، مدیریتی و فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر قانون‌گریزی در ایران مورد مطالعه قرار گرفته است. برای شکل‌دهی این مبنای نظری، پژوهشگران ابتدا کلیه مقاله‌های فصلنامه‌ها، گزارش‌های تحلیلی نشریه‌ها و روزنامه‌ها (در باب قانون‌گریزی) را تا سال ۱۳۸۳ از طریق جست‌وجوی اینترنتی مرکز اطلاع‌رسانی وزارت ارشاد مورد مطالعه قرار دادند و بر این اساس، مبنای نظری پژوهش تدوین شد. سپس در مورد موضوع پژوهش به مطالعه تطبیقی در کشورهای استرالیا، امریکا، انگلیس، فرانسه، روسیه، اندونزی، هند و نیوزلند پرداخته شد و در نهایت با تعدادی از خبرگان و صاحب‌نظران دانشگاهی، مصاحبه‌های تخصصی انجام شد. حاصل این مطالعه، عواملی بود که پس از پالایش در پنج مقوله سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، قانونی و اجتماعی - فرهنگی قرار گرفت و به مبنای نظری مطالعه تبدیل شد.^۲

1- Social science

۲- در این مرحله نوعی رویکرد ترکیبی (کیفی و کمی) مورد نظر است.



شکل ۱: مدل نظری پژوهش

چنانکه مشاهده می‌شود، بستر اساسی در مدل نظری تحقیق حاضر، بهره‌گیری از پنج عامل «سیاسی»، «فرهنگی و اجتماعی»، «اقتصادی»، «مدیریتی» و «قانونی» است که در قالب عوامل تأثیرگذار بر قانون‌گزینی مورد توجه قرار گرفته‌اند. بر اساس مؤلفه‌های مزبور، متغیرهای پژوهش استخراج و در قالب یک پرسشنامه در اختیار ۱۰ نفر از صاحب‌نظران و خبرگان دانشگاهی قرار گرفت و بر اساس نظرات آنان، ۹۳ تغییری که بالاترین فراوانی را داشتند، انتخاب و به عنوان متغیرهای مورد بررسی، اجزای اصلی مدل عملیاتی پژوهش را تشکیل دادند. بر این اساس، جدول ۲ مدل عملیاتی پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲- مدل عملیاتی پژوهش

| منبع استخراج متغیرها | تعداد متغیر | مؤلفه | مفهوم |
|---|-------------|----------------|-------------|
| <ul style="list-style-type: none"> • مطالعه تطبیقی (استرالیا، امریکا، انگلیس، فرانسه، روسیه، اندونزی، هند و نیوزلند) [32] • مقاله‌های فصلنامه‌ها، گزارش‌های تحلیلی نشریه‌ها، روزنامه‌ها (در مورد قانون‌گریزی) تا سال ۱۳۸۳، جست‌وجوی اینترنتی مرکز اطلاع‌رسانی وزارت ارشاد | ۱۲ | سیاسی | قانون‌گریزی |
| | ۲۷ | قانونی | |
| | ۱۳ | مدیریتی | |
| | ۲۲ | اجتماعی-فرهنگی | |
| | ۵ | اقتصادی | |

چنانکه در جدول فوق ملاحظه می‌شود، هر مؤلفه از متغیرهای مختلفی تشکیل شده است که در بخش تحلیل آماری به آنها پرداخته شده است.

۴- فرضیه‌های پژوهش

بر اساس مدل نظری، فرضیه‌های تحقیق عبارت‌اند از:

- آیا عوامل فرهنگی - اجتماعی و قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین عوامل اقتصادی و قانون‌گریزی رابطه معنا وجود دارد
- بین عوامل مدیریتی و قانون‌گریزی رابطه معنا وجود دارد.
- بین عوامل سیاسی و قانون‌گریزی رابطه معنا وجود دارد.

- بین عوامل قانونی و قانون‌گریزی رابطه معنا وجود دارد.

۵- روش‌شناسی تحقیق

آزمون مدل نظری پژوهش با در نظر گرفتن موارد زیر اجرا شده است:

۵-۱- نوع و روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع توسعه‌ای-کاربردی است که با توجه به موضوع تحقیق از روش تحلیلی-توصیفی استفاده شده است. به عبارت دیگر، این پژوهش علاوه بر جنبه آگاهی بخشی و علمی، جنبه کاربردی نیز داشته است، به طوری که هدف از پژوهش حاضر، شناسایی عوامل مختلف تأثیرگذار در قانون‌گریزی و آزمون متغیرهای آن است. لذا سعی شده است تا نتیجه نهایی آن کاربردی داشته باشد.

۵-۲- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق عبارت بود از اساتید دانشگاه‌های کشور. با توجه به وسعت جامعه آماری و نامشخص بودن تعداد آن، برای تعیین حجم نمونه از فرمول زیر که به تعیین حجم نمونه از جامعه نامحدود مربوط می‌شود، استفاده شده است:

$$n = \frac{z^2 pq}{E^2} = \frac{(1/96)^2 (0/16) (0/13)}{(0/3)^2} = 52/22 \sim 55$$

تعداد نمونه‌های مورد نظر با استفاده از روش در دسترس، اساتیدی از دانشگاه‌های مختلف کشور به شرح جدول ۳ انتخاب شدند.

جدول ۳- تعداد و تنوع افراد نمونه

| ردیف | دانشگاه | تعداد |
|------|------------------|-------|
| ۱ | علامه طباطبایی | ۷ |
| ۲ | پیام نور | ۵ |
| ۳ | تبریز | ۶ |
| ۴ | زاهدان | ۵ |
| ۵ | تهران | ۹ |
| ۶ | شهید بهشتی | ۷ |
| ۷ | شهید باهنر کرمان | ۴ |
| ۸ | شیراز | ۳ |
| ۹ | تربیت مدرس | ۷ |
| ۱۰ | فردوسی مشهد | ۸ |
| | جمع | ۶۱ |

حدود ۹۶/۷ درصد از افراد نمونه دارای مدرک تحصیلی دکترا و ۳/۳ از آنان نیز دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس بوده‌اند. همچنین ۹۱/۸ درصد از آنان مرد و بقیه را زنان تشکیل می‌دادند. رشته تحصیلی اعضای نمونه نیز متنوع بوده است.

۳-۵- روش جمع‌آوری داده‌ها، روایی و پایایی پرسشنامه

در این تحقیق برای جمع‌آوری داده‌ها به منظور آزمون الگوی مفهومی قانون‌گریزی، از ابزار پرسشنامه، و مصاحبه استفاده شده است. در روش پرسشنامه، تعداد ۱۰۰ پرسشنامه در بین اساتید دانشگاه‌های کشور توزیع و تعداد ۶۱ پرسشنامه تکمیل و جمع‌آوری شد. در روش مصاحبه نیز، تعداد ۱۰ نفر از صاحب‌نظران انتخاب شدند و مدل مفهومی در اختیار آنان قرار گرفت و نظرات و پیشنهادهاى آنان جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

به منظور تأیید روایی پرسشنامه، طرح مقدماتی پرسشنامه را چند تن از کارشناسان و خبرگان بررسی کردند و پیشنهادهای ایشان در تدوین پرسشنامه نهایی لحاظ شد. سرانجام، پایایی پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ با ضریب قابل قبول ۰/۸۱ به دست آمد.

۵-۴- تجزیه و تحلیل آماری

تجزیه و تحلیل آماری از طریق بهره‌گیری از آزمون‌های t استیودنت، توزیع دو جمله‌ای باینومیل و تحلیل واریانس فریدمن انجام گرفت. برای بررسی میدانی عوامل تأثیرگذار در قانون‌گزینی که با اهداف کسب نظر خبرگان در مورد موضوع صورت گرفته است، متغیرهای بیان شده در قالب یک پرسشنامه مورد سؤال واقع شد. این پرسشنامه در قالب ۸۶ سؤال کیفی و به صورت طیف لیکرت مورد توجه قرار گرفته است. این طیف دارای گزینه‌های خیلی کم تا خیلی زیاد است. گفتنی است که تحلیل آماری صورت گرفته با استناد به فرض آماری کلی زیر مؤلفه X به عنوان یک عامل مؤثر در قانون‌گزینی لحاظ نمی‌شود.

$$H_0: P \leq 0/6$$

مؤلفه X به عنوان یک عامل مؤثر در قانون‌گزینی لحاظ می‌شود.

$$H_1: P > 0/6$$

موفقیت (احتمال P) در نظر گرفته شده، مساوی با ۰/۶ است که دلیل آن، وجود طیف لیکرت است.

۶- تحلیل عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی

۶-۱- تحلیل متغیرهای مربوط به عوامل سیاسی مؤثر بر قانون‌گریزی

نتایج حاصل از بررسی نظرات خبرگان در مورد عوامل سیاسی مؤثر بر قانون‌گریزی در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- نتایج تحلیل متغیرهای مربوط به عوامل سیاسی مؤثر بر قانون‌گریزی

| رتبه متغیر | میانگین رتبه متغیر | آیا متغیر مورد نظر یک عامل سیاسی قانون‌گریزی به حساب می‌آید | سطح معنادار | تعداد گروه‌ها | گروه‌بندی | انحراف معیار | میانگین | متغیر مورد بررسی |
|------------|--------------------|---|-------------|---------------|-------------------|--------------|---------|------------------------------|
| سوم | ۹/۱۱ | بلی | ۰ | ۵۸ ۳ | ≤ 3 > 3 | ۰/۸۴ | ۱/۶۰۶۶ | تبعیض سیاسی |
| دهم | ۵/۳۱ | بلی | ۰ | ۵۴ ۶ | ≤ 3 > 3 | ۰/۹۴ | ۲/۶۷۴۱ | اهداف سیاسی |
| هفتم | ۸/۱۲ | بلی | ۰ | ۵۲ ۴ | ≤ 3 > 3 | ۱/۰۶ | ۲/۲۵۰۰ | تغییر الگوها در درون سازندگی |
| ششم | ۸/۲۸ | بلی | ۰ | ۵۴ ۶ | ≤ 3 > 3 | ۰/۹۴ | ۲/۶۷۶۱ | اشکال در ساختار سیاسی |

| | | | | | | | | |
|--------|------|-----|-------|----------|----------|------|--------|--|
| دوازده | ۴/۶۹ | بلی | ۰/۰۱۵ | ۴۱ ۲۰ | ≤۳ >۳ | ۱/۰۴ | ۲/۸۰۳۳ | تجلیل از مجرمان |
| نهم | ۵/۵۱ | بلی | ۰ | ۵۳ ۷ | ≤۳ >۳ | ۱/۲۱ | ۲/۳۳۴۳ | خلاف مصالح و منافع بودن برخی از قوانین برای برخی افراد |
| هشتم | ۷/۱۸ | بلی | ۰ | ۵۲ ۷ | ≤۳ >۳ | ۰/۸۹ | ۲/۸۳۲۳ | مشارکت نکردن مردم در فرایند خط مشی گذاری کلان |
| یازدهم | ۴/۹۶ | بلی | ۰/۰۰۵ | ۴۵ ۱۳ | ≤۳ >۳ | ۰/۹۷ | ۲/۶۰۳۴ | نهادینه نبودن احزاب |
| پنجم | ۸/۸۹ | بلی | ۰ | ۵۷ ۳ | ≤۳ >۳ | ۰/۸۹ | ۱/۸۱۶۷ | نبودن افراد شایسته در پست‌های سیاسی |
| چهارم | ۹/۱۰ | بلی | ۰ | ۵۵ ۴ | ≤۳ >۳ | ۰/۹۷ | ۱/۶۷۸۰ | سوء استفاده از قدرت |
| دوم | ۹/۲۱ | بلی | ۰ | ۵۸ ۱ | ≤۳ >۳ | ۰/۷۹ | ۱/۴۷۴۶ | قانون‌گریزی سیاستمداران |

| | | | | | | | | | |
|-----|------|-----|---|----|---|----|------|--------|--|
| اول | ۹,۶۵ | بلی | ۰ | ۵۸ | ۱ | ≤۳ | ۰,۷۴ | ۱,۴۰۶۸ | قانون‌گزینی وابستگان سیاستمداران |
| | | | | | | >۳ | | | |

با توجه به نتایج جدول ۴ و با استناد به آزمون دو جمله‌ای، سطح معنادار نمونه‌ای (P-Value) کلیه متغیرهای مورد بررسی از حدود خطای $\alpha = 0.05$ کوچک‌تر است، یعنی $(P-Value = 0 < \alpha = 0.05)$. لذا وجود تفاوت معنادار نتایج با متوسط گزینه‌ها محرز است. به عبارت دیگر با توجه به تعداد پاسخ‌ها در گروه‌های ۱ و ۲ و تعداد بیشتر آنها در گروه اول (≤ 3) می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که صاحب‌نظران، متغیرهای مورد بررسی را به عنوان عوامل سیاسی مؤثر در قانون‌گزینی به‌شمار می‌آورند، یعنی با اطمینان ۹۵٪ می‌توان ادعا کرد که متغیرهای مزبور، عوامل سیاسی قانون‌گزینی به حساب می‌آیند. همچنین با استناد به انجام آزمون تحلیل واریانس فریدمن، متغیرهای عوامل سیاسی اولویت‌بندی شده‌اند. چنانکه مشاهده می‌شود قانون‌گزینی وابستگان سیاستمداران و قانون‌گزینی سیاستمداران، دو متغیری هستند که دارای بالاترین رتبه و تجلیل از مجرمان و نهادینه نبودن احزاب دارای پایین‌ترین رتبه‌اند.

۶-۲- تحلیل متغیرهای مربوط به عوامل قانونی مؤثر بر قانون‌گزینی

نتایج حاصل از بررسی نظرات خبرگان در مورد عوامل قانونی مؤثر بر قانون‌گزینی در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵- نتایج تحلیل متغیرهای مربوط به عوامل قانونی مؤثر بر قانون‌گزینی

| رتبه متغیر | میانگین رتبه متغیر | آیا متغیر مورد نظر یک عامل سیاسی قانون‌گزینی به حساب می‌آید؟ | سطح معنا داری | تعداد گروه‌ها | گروه بندی | انحراف معیار | میانگین | متغیر مورد بررسی |
|------------|--------------------|--|---------------|---------------|-------------------|--------------|---------|-----------------------------|
| نهم | ۱۶/۱۳ | بلی | ۰ | ۵۸ | ≤ 3 > 3 | ۰/۸۵ | ۱/۶۲۳۰ | تبعیض قضایی |
| سیزدهم | ۱۵/۱۳ | بلی | ۰ | ۵۲ | ≤ 3 > 3 | ۱/۱۲ | ۲/۲۸۳۳ | فقدان قوانین خوب |
| دوم | ۱۹/۳۸ | بلی | ۰ | ۵۹ | ≤ 3 > 3 | ۰/۷۲ | ۱/۴۷۵۴ | ضعف در عدم اجرای قانون |
| یازدهم | ۱۵/۵۹ | بلی | ۰ | ۵۸ | ≤ 3 > 3 | ۰/۷۷ | ۲/۳۲۷۹ | ضعف در پذیرش قانون |
| بیست و سوم | ۹/۷۱ | بلی | ۰ | ۵۶ | ≤ 3 > 3 | ۰/۸۳ | ۱/۵۶۶۷ | فقدان سازوکارهای آموزش حقوق |
| ششم | ۱۶/۲۲ | بلی | ۰ | ۵۸ | ≤ 3 > 3 | ۰/۸۵ | ۲/۳۲۷۹ | ناکارآمدی مجریان قانون |

| | | | | | | | | |
|--------------|-------|-----|-------|----------|----------|------|--------|--|
| چهارده | ۱۴/۶ | بلی | ۰ | ۵۸ ۳ | ≤۳ >۳ | ۰/۸۵ | ۲/۷۰۴۹ | فقدان علم و آگاهی به وجود قوانین و مقررات |
| هفدهم | ۱۳/۵۱ | بلی | ۰/۰۱ | ۴۹ ۱۲ | ≤۳ >۳ | ۰/۸۵ | ۲,۳۲۷۹ | مبهم و مجمل بودن و همه فهم نبودن قوانین و مقررات |
| شانزده | ۱۳/۷۲ | بلی | ۰ | ۵۶ ۵ | ≤۳ >۳ | ۰/۹۲ | ۲/۱۳۵۶ | عدم مطابقت قوانین با واقعیات و اخلاقیات جامعه |
| دوازده | ۱۵/۳۹ | بلی | ۰ | ۵۶ ۳ | ≤۳ >۳ | ۰/۸۹ | ۲/۱۰۱۷ | گریز از قانون با توسل به قانون |
| سوم | ۱۸/۰۲ | بلی | ۰ | ۵۷ ۲ | ≤۳ >۳ | ۰/۸۸ | ۳/۲۱۶۷ | طولانی بودن مسیرهای قانونی |
| بیست و پنجم | ۷/۳۶ | خیر | ۰/۲۵ | ۳۳ ۲۷ | ≤۳ >۳ | ۱,۲۱ | ۲/۹۳۳۳ | مطابق نبودن با فطرت انسانها |
| بیست و چهارم | ۹/۰۸ | بلی | ۰/۰۰۳ | ۴۷ ۱۳ | ≤۳ >۳ | ۰/۸۸ | ۲/۲۵۰۰ | محدودکنندگی قانون |
| هفتم | ۱۶/۱۷ | بلی | ۰ | ۵۲ ۴ | ≤۳ >۳ | ۰/۹۴ | ۲/۴۱۶۷ | تفسیر به رأی قانون |

| | | | | | | | | |
|--------|-------|-----|-------|----------|----------|------|--------|---|
| هشتم | ۱۶/۱۵ | بلی | ۰ | ۵۷ ۳ | ≤۳ >۳ | ۰/۷۶ | ۲/۶۸۸۵ | تعارض در قانون گذاری |
| پنجم | ۱۶/۵۱ | بلی | ۰ | ۵۱ ۱۰ | ≤۳ >۳ | ۰/۹۷ | ۱/۹۸۳۳ | پیچیده و هزینه بر بودن فرایند اجرای قانون |
| دهم | ۱۶/۰۳ | بلی | ۰ | ۵۸ ۲ | ≤۳ >۳ | ۰/۸۱ | ۲/۴۶۶۷ | کندی سیستم قضایی |
| نوزدهم | ۱۳/۰۰ | بلی | ۰ | ۵۴ ۶ | ≤۳ >۳ | ۰/۹۶ | ۲/۶۶۶۷ | روزآمد نبودن قوانین |
| هجده | ۱۳/۱۵ | بلی | ۰/۰۰۳ | ۴۷ ۱۳ | ≤۳ >۳ | ۱,۲۱ | ۲/۴۹۱۵ | تشدید مجازات‌ها و اقدامات کنترلی و سرکوب‌گرانه |
| چهارم | ۱۷/۷۱ | بلی | ۰/۰۰۱ | ۴۸ ۱۱ | ≤۳ >۳ | ۰/۹۷ | ۲/۶۱۴۰ | نبودن تعریف واضح از مفهوم جرم (یا تعریف واحد از جرم) |
| اول | ۱۹/۶۱ | بلی | ۰/۰۰۶ | ۴۴ ۱۳ | ≤۳ >۳ | ۱,۱۷ | ۲/۷۹۶۶ | توجه نداشتن دادگاه‌ها به قربانی و خانواده قربانی |

| | | | | | | | | |
|-------------|-------|-----|-------|----------|----------|------|--------|---|
| بیست و هفتم | ۶/۷۲ | بلی | ۰/۰۳ | ۴۳ ۱۶ | ≤۳ >۳ | ۱,۲۱ | ۲/۶۸۳۳ | محدود و معذور بودن احکام مجازات به چند مورد خاص |
| بیست و یکم | ۱۲/۸۱ | بلی | ۰/۰۰۳ | ۴۷ ۱۳ | ≤۳ >۳ | ۱,۰۳ | ۲/۶۶۶۷ | آشنا نبودن افراد به حقوق خود |
| بیست و دوم | ۱۱/۹۴ | بلی | ۰ | ۵۰ ۱۰ | ≤۳ >۳ | ۰/۹۱ | ۲/۶۴۹۱ | نبودن طرح کافی برای هشدار به افراد جامعه در زمینه‌های قانون‌گریزی |
| پانزده | ۱۴/۰۴ | بلی | ۰/۰۰۱ | ۴۶ ۱۱ | ≤۳ >۳ | ۱,۱۱ | ۲/۶۲۷۱ | مشخص نبودن مجازات جرایم سازمان یافته |
| بیست و ششم | ۷/۳۴ | بلی | ۰ | ۵۱ ۸ | ≤۳ >۳ | ۰/۹۴ | ۳/۱۰۳۴ | پس‌بین بودن آگاهی جامعه و نکردن حمایت از اقدامات قوه قضائیه |
| بیستم | ۱۲/۹۸ | خیر | ۰/۱۶ | ۳۹ ۱۹ | ≤۳ >۳ | ۱,۱۰ | ۱/۶۲۳۰ | اقتباسی بودن قوانین ایران |

با توجه به نتایج جدول ۵ و با استناد به آزمون دو جمله‌ای، سطح معنادار نمونه‌ای (P-Value) کلیه متغیرهای مورد بررسی به جز متغیرهای ردیف ۱۲ و ۲۷ از حدود خطای $\alpha = 5\%$ کوچک‌تر است، یعنی $(P\text{-Value} = 0 < \alpha = 5\%)$. لذا وجود تفاوت معنادار نتایج با متوسط گزینه‌ها محرز است. به عبارت دیگر، با توجه به تعداد پاسخ‌ها در گروه‌های ۱ و ۲ و تعداد بیشتر آنها در گروه دوم (≤ 3) می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که صاحب‌نظران، متغیرهای مورد بررسی را به عنوان عوامل قانونی مؤثر در قانون‌گزینی به شمار می‌آورند. یعنی با اطمینان ۹۵٪ می‌توان ادعا کرد که متغیرهای مزبور به عنوان عوامل قانونی در قانون‌گزینی به حساب می‌آید. از طرف دیگر سطح معنادار نمونه‌ای (P-Value) متغیرهای ردیف ۱۲ و ۲۷ بزرگ‌تر از حدود خطای $\alpha = 5\%$ است. بنابراین، وجود تفاوت معنادار نتایج با متوسط گزینه‌ها محرز نیست. لذا می‌توان چنین نتیجه‌گرفت کرد که صاحب‌نظران، متغیرهای مورد بررسی را در حد متوسط به عنوان عوامل مؤثر قانونی در قانون‌گزینی به شمار می‌آورند. همچنین با استناد به انجام آزمون تحلیل واریانس فریدمن، متغیرهای عوامل قانونی اولویت‌بندی شده‌اند. چنانکه مشاهده می‌شود، توجه نداشتن دادگاه‌ها به قربانی و خانواده قربانی، ضعف در عدم اجرای قانون و طولانی بودن مسیرهای قانونی، سه متغیری هستند که دارای بالاترین رتبه و محدود و معدود بودن احکام مجازات به چند مورد خاص، پایین بودن آگاهی جامعه و نکردن حمایت از اقدامات قوه قضائیه و عدم مطابقت با فطرت انسان‌ها دارای پایین‌ترین رتبه‌اند.

۶-۳- تحلیل متغیرهای مربوط به عوامل مدیریتی مؤثر بر قانون‌گزینی

نتایج حاصل از بررسی نظرات خبرگان در مورد عوامل مدیریتی مؤثر بر قانون‌گزینی در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶- نتایج تحلیل متغیرهای مربوط به عوامل مدیریتی مؤثر بر قانون‌گریزی

| رتبه متغیر | میانگین رتبه متغیر | آیا متغیر مورد نظر یک عامل سیاسی قانون‌گریزی به حساب می‌آید؟ | سطح معناداری | تعداد گروه | گروه‌بندی | انحراف معیار | میانگین | متغیر مورد بررسی |
|------------|--------------------|--|--------------|------------|-------------------|--------------|---------|--------------------------------------|
| پنجم | ۸/۳۱ | بلی | ۰ | ۴۷ ۱۳ | ≤ 3 > 3 | ۰/۸۳ | ۲/۰۱۶۷ | کاغذ بازی |
| اول | ۱۱/۵۲ | بلی | ۰ | ۵۹ ۲ | ≤ 3 > 3 | ۰/۸۰ | ۱/۴۷۵۴ | قانون شکنی مجریان قانون |
| سوم | ۸/۸۴ | بلی | ۰ | ۵۳ ۸ | ≤ 3 > 3 | ۰/۷۴ | ۱/۶۷۸۵ | عدم کارایی دستگاه‌های نظارتی |
| ششم | ۸/۱۵ | بلی | ۰ | ۴۳ ۱۷ | ≤ 3 > 3 | ۰ ۸۲۹۴ | ۲/۰۸۳۳ | کوچک انگاشتن برخی از موارد نقض قانون |

| | | | | | | | | |
|--------|------|-----|-------|----------|-------------------|------|--------|--|
| دوم | ۹/۰۵ | بلی | ۰ | ۵۵ ۵ | ≤ 3 > 3 | ۰/۶۴ | ۱/۵۵۰۰ | تبعیض در اجرای قانون |
| چهارم | ۸/۷۶ | بلی | ۰ | ۴۷ ۱۲ | ≤ 3 > 3 | ۰/۷۵ | ۱/۸۱۳۶ | بی توجهی به مشکلات مردم |
| دهم | ۵/۵۶ | بلی | ۰/۰۱ | ۳۲ ۲۶ | ≤ 3 > 3 | ۱/۰۸ | ۲/۵۰۰۰ | تغییر دائم نظـر مؤسسات طرح ریزی برنامه های پیشگیری |
| دوازده | ۴/۹۴ | بلی | ۰/۰۰۱ | ۳۶ ۲۴ | ≤ 3 > 3 | ۰/۸۱ | ۲/۳۱۶۷ | دسترسی نداشتن عده‌ای از مردم به خدمات عمومی مناسب |

| | | | | | | | | |
|-------|------|-----|-------|----------|----------|------|--------|--|
| نهم | ۶/۲۳ | بلی | ۰/۰۰۹ | ۳۳ ۲۶ | ≤۳ >۳ | ۱,۰۱ | ۲/۴۴۰۷ | بودجه ناکافی و نبودن برنامه های تفریحی، پرورشی و حمایتی در برخی از مناطق |
| هفتم | ۷/۵۲ | بلی | ۰ | ۳۷ ۲۱ | ≤۳ >۳ | ۱,۰۶ | ۲/۲۵۸۶ | سیستم انتصاب کارکنان دولت |
| سیزده | ۴/۵۵ | بلی | ۰/۰۰۱ | ۴۶ ۱۰ | ≤۳ >۳ | ۰/۹۹ | ۳/۲۳۲۱ | عدم تمایل برای کارفرمایان استخدام افراد سؤ سابقه |

| | | | | | | | | |
|--|--------|------|-------------------|----------|-------|-----|------|-------|
| افزایش تعداد نیروهای بازدارنده از جرم به جامعه آموزش همگانی جرم در جامعه | ۲/۵۶۹۰ | ۱,۲ | ≤ 3 > 3 | ۳۱ ۲۷ | ۰/۰۲ | بلی | ۵/۵۵ | یازده |
| ساختار نامناسب سازمان های دولتی مسبب قانون‌گریزی | ۲/۲۸۳۳ | ۰/۹۷ | ≤ 3 > 3 | ۳۴ ۲۶ | ۰/۰۰۶ | بلی | ۶/۹۱ | هشتم |

با توجه به نتایج جدول ۶ و با استناد به آزمون دو جمله‌ای، سطح معنادار نمونه‌ای (P-Value) کلیه متغیرهای مورد بررسی از حدود خطای $\alpha = 5\%$ کوچک تر است، یعنی $(P-Value = 0 < \alpha = 5\%)$. لذا وجود تفاوت معنادار نتایج با متوسط گزینه‌ها محرز است. به عبارت دیگر با توجه به تعداد پاسخ‌ها در گروه‌های ۱ و ۲ و تعداد بیشتر آنها در گروه دوم (≤ 3) می‌توان چنین نتیجه گرفت که صاحب‌نظران، متغیرهای مورد بررسی را عوامل مدیریتی مؤثر در قانون‌گریزی به شمار می‌آورند. یعنی با اطمینان ۹۵٪ می‌توان ادعا کرد که متغیرهای مزبور عوامل مدیریتی قانون‌گریزی به حساب می‌آیند. همچنین با استناد به انجام آزمون تحلیل واریانس فریدمن، متغیرهای عوامل مدیریتی اولویت‌بندی شده‌اند. چنانکه مشاهده

می‌شود، دو متغیر قانون شکنی مجریان قانون و تبعیض در اجرای قانون، دارای بالاترین رتبه تمایل نداشتن کارفرمایان برای استخدام افراد سوء سابقه در دسترسی نداشتن عده ای از مردم به خدمات عمومی مناسب، دارای پایین ترین رتبه هستند.

۶-۴- تحلیل متغیرهای مربوط به عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر قانون‌گزینی
 نتایج حاصل از بررسی نظرات خبرگان در مورد عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر قانون‌گزینی در جدول ۷ ارائه شده است.
 جدول ۷- نتایج تحلیل متغیرهای مربوط به عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر

قانون‌گزینی

| رتبه متغیر | میانگین رتبه متغیر | آیا متغیر مورد نظر یک عامل اجتماعی و فرهنگی قانون‌گزینی به حساب می‌آید؟ | سطح منازاداری | تعداد گروه‌ها | گروه بندی | انحراف معیار | میانگین | متغیر مورد بررسی |
|---------------|--------------------------|--|------------------|---------------|--------------|-----------------|---------|-------------------------------|
| هفدهم | ۸/۹۹ | خیر | ۰/۲۲ | ۴۰ ۲۱ | ≤۳ >۳ | ۱,۱۳ | ۳/۰۹۸۴ | افزایش جمعیت |
| ششم | ۱۵/۲۲ | بلی | ۰ | ۴۴ ۱۷ | ≤۳ >۳ | ۰/۸۹ | ۲/۰۰۰ | اختلاف طبقه‌ای |
| بیست و یکم | ۷/۹۳ | خیر | ۰/۰۷ | ۴۲ ۱۸ | ≤۳ >۳ | ۱,۳۴ | ۳/۶۰۰۰ | رسوخ فرهنگ طبقه‌ای |
| سوم | ۱۶/۴۸ | بلی | ۰ | ۴۷ ۱۳ | ≤۳ >۳ | ۰/۷۴ | ۱/۹۵۰۰ | ساختار اجتماعی نا برابر |

| | | | | | | | | |
|------------|--------|-----|-------|----------|-------------------|------|--------|----------------------------|
| شانزدهم | ۹/۳ | خیر | ۰/۳۸ | ۳۷ ۲۲ | ≤ 3 > 3 | ۱,۰۶ | ۲/۸۹۸۳ | سابقه فرهنگی |
| چهاردهم | .۹ | خیر | ۰/۰۵۳ | ۴۲ ۱۷ | ≤ 3 > 3 | ۱,۰۲ | ۲/۹۱۵۳ | ناهنجارهای روانی |
| دوم | ۱۶/۱۸۶ | بلی | ۰ | ۴۹ ۱۱ | ≤ 3 > 3 | ۰/۷۲ | ۱/۸۱۶۷ | از بین رفتن قبح قانون شکنی |
| بیست و دوم | ۶/۹۶ | بلی | ۰ | ۵۰ ۸ | ≤ 3 > 3 | ۰/۹۸ | ۳/۶۸۹۸ | روحیه آزادگی ذاتی انسانها |
| دوازدهم | ۱۱/۸۴ | خیر | ۰/۴۵ | ۳۷ ۲۳ | ≤ 3 > 3 | ۰/۸۴ | ۲/۶۵۰۰ | ویژگی های شخصیتی |
| پنجم | ۱۵/۵۸ | بلی | ۰ | ۴۶ ۱۴ | ≤ 3 > 3 | ۰/۶۷ | ۲/۰۱۶۷ | فساد اجتماعی |
| هفتم | ۱۵/۰۳ | بلی | ۰/۰۰۲ | ۳۵ ۲۴ | ≤ 3 > 3 | ۰/۹۱ | ۲/۲۷۱۲ | فساد اخلاقی جامعه |
| چهارم | ۱۵/۶۴ | بلی | ۰ | ۴۲ ۱۶ | ≤ 3 > 3 | ۰/۸۵ | ۲/۰۳۴۵ | روابط نابرابر مردم |

| | | | | | | | | |
|---------|-------|-----|-------|----------|----------|------|--------|---|
| نوزدهم | ۸/۵۲ | بلی | ۰/۰۰۳ | ۴۵ ۱۲ | ≤۳ >۳ | ۰/۹۶ | ۳/۲۱۰۵ | محکومیت ه ای طولانی مدت افراد |
| یازدهم | ۱۲/۳۷ | بلی | ۰/۰۰۹ | ۳۳ ۲۶ | ≤۳ >۳ | ۱/۱۲ | ۲/۴۹۱۵ | عدم توجه کافی رسانه‌های جمعی و فردی به برنامه‌های جدید در زمینه‌های قانون‌مداری در جامعه |
| نهم | ۱۳/۶۵ | بلی | ۰/۰۰۱ | ۳۶ ۲۴ | ≤۳ >۳ | ۱,۰۲ | ۲/۴۰۰۰ | عدم توجه کافی به جوانان |
| پانزدهم | ۹,۵ | خیر | ۰/۳۵ | ۳۸ ۲۲ | ≤۳ >۳ | ۱,۰۳ | ۲/۸۱۶۷ | نقش مخرب رسانه‌ها در شکل‌دهی به باورهای مردم در زمینه قانون‌گریز ی |

| | | | | | | | | |
|--------|-------|-----|-------|----------|-------------------|------|--------|--|
| هجدهم | ۸/۵۵ | خیر | ۰/۳۵ | ۳۸ ۲۲ | ≤ 3 > 3 | ۱,۲۵ | ۳/۱۶۶۷ | تمایل به شهرنشینی |
| سیزدهم | ۱۱/۱۱ | خیر | ۰/۲۲ | ۳۲ ۲۷ | ≤ 3 > 3 | ۱,۲۴ | ۲/۸۱۳۶ | تجمل گرایسی و وسوسه روزافزون دستیابی به کالاهای مصرفی و دسترسی نداشتن به این کالاها |
| بیستم | ۸/۳۰ | بلی | ۰ | ۴۹ ۱۱ | ≤ 3 > 3 | ۰/۸۸ | ۳/۲۸۳۳ | ناکامی های تحصیلی |
| دهم | ۱۳/۵۱ | خیر | ۰/۰۷ | ۲۹ ۲۹ | ≤ 3 > 3 | ۰/۹۰ | ۲/۴۳۱۰ | زاغه نشینی در اطراف شهرها به خصوص کلان شهرها |
| هشتم | ۱۴/۱۹ | بلی | ۰/۰۰۲ | ۳۵ ۲۴ | ≤ 3 > 3 | ۱,۰۱ | ۲/۳۲۲۰ | وجود تسامح در قانون شد کنی های کوچک |

| | | | | | | | | |
|-----|------|-----|---|----|----|------|--------|------------------------------------|
| اول | ۱۸۷۸ | بلی | ۰ | ۴۸ | ≤۳ | ۰/۹۲ | ۱/۴۷۴۶ | قانون گریز ی سیاستمدارا ن |
| | | | | ۱۱ | >۳ | | | |

با توجه به نتایج جدول ۷ و با استناد به آزمون دو جمله‌ای، سطح معنادار نمونه‌ای (P-Value) کلیه متغیرهای مورد بررسی به جز متغیرهای ردیف ۱، ۳، ۵، ۶، ۹، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۲۰ از حدود خطای $\alpha = 5\%$ کوچک‌تر است، یعنی $P = \alpha < 0$ (Value). لذا وجود تفاوت معنادار نتایج با متوسط گزینه‌ها محرز است. به عبارت دیگر، با توجه به تعداد پاسخ‌ها در گروه‌های ۱ و ۲ و تعداد بیشتر آنها در گروه دوم (≤ 3) می‌توان چنین نتیجه گرفت که صاحب‌نظران، متغیرهای مورد بررسی را عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر در قانون‌گریزی به شمار می‌آورند. یعنی با اطمینان ۹۵٪ می‌توان ادعا کرد که متغیرهای مزبور عوامل اجتماعی-فرهنگی قانون‌گریزی به حساب می‌آید. از طرف دیگر سطح معنادار نمونه‌ای (P-Value) متغیرهای ردیف ۱، ۳، ۵، ۶، ۹، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۲۰ بزرگ‌تر از حدود خطای $\alpha = 5\%$ است. بنابراین وجود تفاوت معنادار نتایج با متوسط گزینه‌ها محرز نیست. لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که صاحب‌نظران، متغیرهای مورد بررسی را در حد متوسط، عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر در قانون‌گریزی به شمار می‌آورند. همچنین با استناد به انجام آزمون تحلیل واریانس فریدمن، متغیرهای عوامل سیاسی اولویت‌بندی شده‌اند. چنانکه مشاهده می‌شود، دو متغیر قانون‌گریزی سیاستمداران و از بین رفتن قبح قانون شکنی دارای بالاترین رتبه و متغیرهای روحیه آزادگی ذاتی انسان‌ها، رسوخ فرهنگ طبقاتی و ناکامی‌های تحصیلی دارای پایین‌ترین رتبه‌اند.

۶-۵- تحلیل متغیرهای مربوط به عوامل اقتصادی مؤثر بر قانون‌گریزی

نتایج حاصل از بررسی نظرات خبرگان در مورد عوامل اقتصادی مؤثر بر قانون‌گریزی در جدول ۸ ارائه شده است.

جدول ۸- نتایج تحلیل متغیرهای مربوط به عوامل اقتصادی مؤثر بر قانون‌گزینی

| متغیر مورد بررسی | میانگین | انحراف معیار | گروه بندی | تعداد گروه‌ها | سطح معناداری | آیا متغیر مورد نظر یک عامل اقتصادی قانون‌گزینی به حساب می‌آیند؟ | میانگین رتبه متغیر | رتبه متغیر |
|----------------------|---------|--------------|-------------------|---------------|--------------|---|--------------------|------------|
| وضعیت نامناسب معیشتی | ۲/۰۱۶۴ | ۰/۸۸ | ≤ 3 > 3 | ۴۶ ۱۵ | ۰ | بلی | ۲/۷۷ | سوم |
| حفظ منافع مادی | ۱/۸۸۳۳ | ۰/۸۲ | ≤ 3 > 3 | ۴۹ ۱۱ | ۰ | بلی | ۲/۶۸ | چهارم |
| مسائل اقتصادی | ۲/۰۱۶۹ | ۰/۸۶ | ≤ 3 > 3 | ۴۴ ۱۵ | ۰ | بلی | ۲/۸۰ | دوم |
| معضل بیکاری | ۱/۸۶۶۷ | ۰/۸۹ | ≤ 3 > 3 | ۴۴ ۱۶ | ۰ | بلی | ۲/۵۴ | پنجم |
| مشکل مسکن | ۲/۹۵۰۰ | ۱/۰۶ | ≤ 3 > 3 | ۴۰ ۲۰ | ۰/۰۱ | بلی | ۲/۲۱ | اول |

با توجه به نتایج جدول ۸ و با استناد به آزمون دو جمله‌ای، سطح معنادار نمونه‌ای (P-Value) کلیه متغیرهای مورد بررسی از حدود خطای $\alpha = 5\%$ کوچک‌تر است، یعنی $(P\text{-Value} = 0 < \alpha = 5\%)$. لذا وجود تفاوت معنادار نتایج با متوسط

گزینه‌ها محرز است. به عبارت دیگر، با توجه به تعداد پاسخ‌ها در گروه‌های ۱ و ۲ و تعداد بیشتر آنها در گروه دوم (۳) می‌توان چنین نتیجه گرفت که صاحب‌نظران، متغیرهای مورد بررسی را عوامل اقتصادی مؤثر در قانون‌گریزی به شمار می‌آورند، یعنی با اطمینان ۹۵٪ می‌توان ادعا کرد که متغیرهای مزبور عوامل اقتصادی قانون‌گریزی به حساب می‌آیند. همچنین با استناد به انجام آزمون تحلیل واریانس فریدمن، متغیرهای عوامل اقتصادی اولویت‌بندی شده‌اند. چنانکه مشاهده می‌شود مشکل مسکن بالاترین رتبه و معضل بیکاری پایین‌ترین رتبه را دارند.

۷- نتیجه‌گیری

چنانکه گفته شد، با وجود اینکه توجه به قانون و رعایت آن در هر جامعه موجب استحکام و انسجام آن جامعه می‌شود، با این حال برخی از افراد جامعه بنا به دلایلی تمایل به قانون‌گریزی دارند. قانون‌گریزی در هر جامعه‌ای دلایل خاص خود را دارد و در کشور ما نیز عوامل مختلفی موجب آن می‌شوند. در این مقاله به بررسی و تبیین عوامل قانون‌گریزی در ایران پرداخته شده است. از این رو عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر ضعف در رعایت قانون در ایران مورد توجه قرار گرفته‌اند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های آماری بیانگر آن است که به طور کلی، عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی - فرهنگی در قانون‌گریزی افراد جامعه تأثیرگذارند و موجب قانون‌گریزی می‌شوند. بررسی نتایج با استناد به آزمون دو جمله‌ای نشان می‌دهد که سطح معنادار نمونه‌ای کلیه متغیرهای مورد بررسی عوامل پنجگانه ۵٪ کوچک‌تر است. به عبارت دیگر، تعداد بیشتری از پاسخ‌ها در گروه (۳) قرار گرفته‌اند. لذا می‌توان گفت که در مجموع، عامل سیاسی عامل مؤثر در قانون‌گریزی به حساب می‌آیند. لذا بی‌توجهی به هر یک از این عوامل می‌تواند به قانون‌گریزی افراد در جامعه بینجامد.

مشاهده وضعیت هر یک از متغیرهای عوامل مورد بررسی نشان می‌دهد که قانون‌گریزی وابستگان سیاستمداران، قانون‌گریزی سیاستمداران، تبعیض سیاسی،

سوء استفاده از قدرت و نبودن افراد شایسته در پست های سیاسی از جمله متغیرهایی هستند که بیشترین تأثیر را در قانون گریزی از جنبه سیاسی در ایران دارند. این در حالی است که تجلیل از مجرمان و نهادینه نبودن احزاب با توجه به رتبه پایین، کمترین اثر را در قانون گریزی در بین متغیرهای عامل دارند. همچنین از نظر قانونی توجه نکردن دادگاه ها به قربانی و خانواده قربانی، ضعف در عدم اجرای قانون، طولانی بودن مسیرهای قانونی، نبود تعریف واضح از مفهوم جرم و پیچیده و هزینه بر بودن فرایند اجرای قانون از جمله متغیرهایی هستند که بیشترین تأثیر را در قانون گریزی در ایران دارند. این بررسی نشان می دهد که از این حیث، محدود و معدود بودن احکام مجازات به چند مورد خاص، پایین بودن آگاهی جامعه و حمایت نکردن از اقدامات قوه قضائیه و عدم مطابقت با فطرت انسان ها کمترین تأثیر را در بین عوامل قانونی در قانون گریزی دارند.

بررسی و تحلیل نتایج حاصل بیانگر آن است که قانون شکنی مجریان قانون، تبعیض در اجرای قانون، عدم کارایی دستگاه های نظارتی، کاغذبازی و بی توجهی به مشکلات مردم از جمله متغیرهای عامل مدیریتی به شمار می آیند که بیشترین تأثیر را در قانون گریزی دارند. با این حال، تمایل نداشتن کارفرمایان برای استخدام افراد سوء سابقه دار و دسترسی نداشتن عده ای از مردم به خدمات عمومی مناسب، دارای پایین ترین رتبه در بین متغیرهای عامل مدیریتی بوده و لذا کمترین تأثیر را در قانون گریزی (از حیث عامل مدیریتی) داشته اند. این بررسی همچنین نشان می دهد که قانون گریزی سیاستمداران، از بین رفتن قبح قانون شکنی، ساختار اجتماعی نابرابر، روابط نابرابر مردم و فساد اجتماعی از جمله متغیرهای عامل اجتماعی - فرهنگی به حساب می آیند که بیشترین تأثیر را در قانون گریزی در ایران دارند. این در حالی است که روحیه آزادگی ذاتی انسان ها، رسوخ فرهنگ طبقاتی و ناکامی های تحصیلی کمترین تأثیر را در قانون گریزی (در بین عوامل اجتماعی - فرهنگی) داشته اند. در نهایت، نتایج حاصل بیانگر آن است که از بین متغیرهای عامل اقتصادی، مشکل مسکن و وضعیت نامناسب معیشتی بیشترین تأثیر را در قانون گریزی دارند.

براساس نتایج پژوهش، می توان پیشنهادهای زیر را برای رفع مشکل قانون گریزی در ایران ارائه کرد:

- بازنگری در قوانین و به روز کردن آن؛
- اعمال تدابیری برای جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت، قانون گریزی سیاستمداران و خانواده های آنان و جلوگیری از تبعیض سیاسی؛
- حمایت از مجریان قانون به منظور اجرای دقیق قوانین و تلاش در جهت افزایش کارآمدی مجریان قانون؛
- تلاش در جهت ایجاد بستر و زمینه پذیرش قانون از سوی مردم و مسئولان و ایجاد سازوکارهای آموزش حقوق و بالا بردن سطح علم و آگاهی به وجود قوانین و مقررات در جامعه و همه فهم کردن قوانین و مقررات و آشنا کردن افراد با حقوق خود؛
- تلاش در جهت ایجاد مطابقت بین قوانین با واقعیات و اخلاقیات جامعه و ایجاد تمهیداتی برای جلوگیری از گریز از قانون با توسل به قانون؛
- کوتاه کردن مسیرهای قانونی حل مشکلات و تسریع کردن سیستم قضایی کشور؛
- تعریف واضح و درست از مفهوم جرم یا تعریف واحد از جرم؛
- توجه دادگاه ها به قربانی و خانواده قربانی؛
- کاهش کاغذبازی و افزایش کارایی دستگاه های نظارتی؛
- توجه به مشکلات مردم و فراهم کردن فرصت دسترسی همه مردم به خدمات عمومی مناسب؛
- ارائه طرح هایی برای افزایش سلامت روانی روانی در جامعه؛
- جلوگیری از شکستن قبح قانون شکنی در جامعه؛
- ارائه طرح هایی به منظور رسیدگی به مشکلات جوانان؛
- رفع مشکلات اقتصادی از جمله مشکل بیکاری و مسکن.

منابع

- ۱- احدی، ابراهیم (۱۳۷۶). «قانون و قانون‌گذاری در ایران». وکالت شماره ۳ و ۲ صص ۴۲-۴۵.
- ۲- انصاری، علیرضا (۱۳۷۷). «قانون‌گرایی در سیره معصومان». کوثر، شماره ۲۵ صص ۱-۴، قسمت اول.
- ۳- انصاری، علیرضا (۱۳۷۷). «قانون‌گرایی در سیره معصومان». کوثر، شماره ۳۰ صص ۱۸-۲۰، قسمت سوم.
- ۴- انصاری، علیرضا (۱۳۷۷). «قانون‌گرایی در سیره معصومان». کوثر، شماره ۲۸ صص ۱۶-۱۸، قسمت دوم.
- ۵- جواهری، حقیقی. «قانون‌گرایی». روزنامه انتخاب، ۷۹/۹/۹.
- ۶- خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۷۷). «نقش امنیت در تحقق قانون‌گرایی در جامعه». اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۳-۱۴۴، صص ۹۶-۱۰۱.
- ۷- خیری، حسن (۱۳۷۹). «جستاری در قانون‌گذاری اسلام». بصیرت، شماره ۲۱ و ۲۲، صص ۱-۴۴.
- ۸- سازمان امور دارایی و اقتصادی اصفهان، (۱۳۸۴). «قانون‌گرایی در خصوص تدوین دستورالعمل‌های درون سازمان». <http://www.isf-mefa.gov.ir/?i=DzAFMlcwADdSZVdi>
- ۹- عباسی، اصغر (۱۳۷۸). «تأملی بر عوامل قانون‌شکنی و راهکارهای مقابله با آن». اصلاح و تربیت، شماره ۷۱-۷۲، صص ۳۴-۴۰.
- ۱۰- شجاعی‌زند، علی‌رضا (۱۳۷۹). «نظم‌ستیزی و قانون‌گریزی». امنیت، شماره ۱۳۹۱۴، مرداد و شهریور، صص ۳۴-۳۲. فرهنگ عمید (۱۳۷۱). تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۱۱- قراگوزلو، محمد (۱۳۷۶). «جامعه‌مدنی و قانون‌گرایی». اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۷۳-۱۷۴، صص ۲۸-۳۸.
- ۱۲- قراگوزلو، محمد. «جامعه‌مدنی و قانون‌گرایی». اطلاعات، ۷۹/۴/۲۱.

- ۱۳- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۴). «مقدمه علم حقوق». چاپ شانزدهم، تهران: شرکت انتشار.
- ۱۴- کاتوزیان، ناصر. اهمیت ذاتی قانون و فنون قانون‌گذاری. سلام، ۷۶/۶/۳۰، بخش اول.
- ۱۵- کاتوزیان، ناصر. اهمیت ذاتی قانون و فنون قانون‌گذاری. سلام، ۷۷/۷/۵، بخش دوم.
- ۱۶- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۶۷). حکومت در اسلام. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر. ص ۱۹۹.
- ۱۷- مؤمنی، پروین (۱۳۷۶). اشاعه فرهنگ حقوقی. مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت ارشاد اسلامی. ص ص ۹۳-۸۲ و ص ۵-۴.
- ۱۸- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۶). قانون‌گرایی و قانون‌گذاری در جامعه مدنی، بخارا، شماره ۱۲ صص ۳۶-۴۵.
- ۱۹- محمدی، حیدر «شیوه‌های قانون‌گرایی از دیدگاه نهج البلاغه»، خلاصه مقالات همایش بزرگ امام علی (ع) و نهج البلاغه، ۲۴۴ص، کرمان: موسسه فرهنگی ثارالله، صص. ۲۰۸ - ۲۰۹.
- ۲۰- منصور نژاد، محمد (۱۳۷۸). «قانون‌گذاری در حکومت اسلامی». تبیان شماره ۲۸ صص ۳۲-۲۵.

منابع انگلیسی

- 1- Alder, C. & Polk, K. 1985, 'Diversion Programs', in juvenile Delinquency in Australia, eds A.
- 2- Alkali Lake Indian Band 1986, *The Honour of All: the Alkali Lake Story*, Video, Alkali Lake, British Columbia, Canada.
- 3- Ascher, Ivan, (2005) "Max Weber and the Linguistic Turn (*Übersetzung als Beruf* or The Task of the Translator)",

- Prepared for presentation at the Political Science Department's Graduate Student Conference, May 2,
- 4-Atkinson, J. 1990, *Beyond Violence: Finding the Dream* (manual and Video), Office of status of Women , Department of the Prime Minister and Cabinet, Canberra.
- 5- Bardach, E. 1997, *The Implementation Game: What Happens After a Bill Becomes Law*, MIT press, Cambridge.
- 6-Barnett , A., Blumstein, A. & Farrington, D.P. 1987, "Probalistic Models of Youthful Criminal Careers, *Criminology*, Vol .25, no.1.
- 7-Barr, R. & Pease, K. 1990, «Crime Displacement' in *Crime and Justice: A Review of Research*», vol. 12, eds M. Tonry & N. Morris, University of Chicago Press, Chicago.
- 8-Bird, G. 1988, «The Process of Law in Australia: Intercultural Perspectives», Butterworths, North Ryde.
- Bottoms, A. 1990, 'Crime Prevention: Facing the 1990s, *Policing and Society*, vol. 1, no. 1, PP. 3-22.
- 9-Braithwaite, J. & Grabosky, P. 1985, *Occupational Health and Safety Enforcement in Australia*, Australia Institute of Criminology, Canberra.
- 10-Brown, D., 1987, « The Politics of Reform» in *The Criminal Injustice System: Volume Two*, eds G. Zdenkowski, C. Ronalds & M. Richardson, Pluto Press, Leichhardt, PP.254-81.

- 11-Casper, J.D. & Brereton, D. 1984, «Evaluating Criminal Justice Reforms» , Law and Society Review, vol, 18, no. 1, pp. 121-44
- 12-Chan, J. 1987, «The Limits of Sentencing Reform» in The Criminal Injustice System: Volume Two eds G. Zdenkowski, C. Ronalds & M. Richardson, Pluto Press, Leichhardt, pp. 207-37
- 13-Chibnall, S. 1977,« Low and Order News»: An Analysis of Crime Reporting in the British Press, Tavistock, London.
- 14-Clarke, R.V. 1983, «Situational Crime Prevention: its theoretical basis and practical scope» , in Crime and Justice, An Annual Review of Research, Vol. 4, eds M. Tonry & N. Morris, University of Chicago Press
- 15-Cornish, P.N.1989, «Crime Prevention Strategies-Summary of Overseas Study Tour» January/February 1989, South Australian Police Department.
- 16-Curran, D. 1988, «Destructuring, Privatisation, and the Promise of Juvenile Diversion»:
Eck, J. & Spelman , W. 1987, The Police as Problem Busters, Crime and Delinquency, Vol .33, no.1, January , pp.31-52.
- 17-Ericson, R. 1981, *Making Crime: A Study of Detective Work*, Butterworths, Toronto.
- 18-Fraser, D. 1989, “What a Long Strange Trip it’s Been: Deconstructing Law from Legal Realism to Critical Legal

- Studies”, Australian Journal of Law and Society, Vol. 5, pp. 35-43.
- 19-Freckelton, I. & Selby, H. 1988, “Police Accountability, in Understanding Crime and Criminal Justice, eds M. Findlay & R. Hogg, Law Book Co, North Ryde, pp.224-46
- 20- Geason, S. & Wilson , P.1988 , «Crime Prevention : Theory and Practice», Crime Prevention Series, Australian Institute of Criminology, Canberra.
- 21-Gordon, D.M. 1971, “ Class and the Economics of Crime” Review of Radical and Political Economics, vol. 3, Summer, pp. 51-75.
- 22-Grabosky, P. 1977, «Sydney in Ferment»: Crime, Dissent and Official Reaction 1788-1973, ANU Press, Canberra.
- 23-Halsted, B.(ed). 1990, «Youth Crime Prevention», Proceedings of a Policy Forum held 28 and 29 August 1990, Australian Institute of Criminology, Canberra.
- 25-Hazlehurst, K.M. 1989, Violence, «Disputes and Their Resolution», Violence Today No.7, National Committee on Violence, Australian Institute of Criminology, Canberra.
- 26-Hirshi, T. & Gottfredson , M. 1983, “Age and the Explanation of Crime” American Journal of Sociology , Vol .89, no.3.
- 27-Hockely, R. & Robertson , D. 1989, «An Evaluation of the Youth and the Law Project» : A Report to the Law Foundation of NSW, Human Systems Developmebt, Sydney.

- 28-Kearney, P. 1990, «Multiculturalism an the law», Issues Pager No. 9, Australian Law Reform Commission, January.
- 29-Kearney, P. 1990, «Multiculturalism and the Law», Issues Paper No. 9, Australian Law Reform Commission, January.
- 30-Kelling, G.L., Pate, T., Dieckman, D. & Brown, C.E. 1976, “The Kansas City Preventive Patrol Experiment: A Summary Report”, Report of the Police Foundation Washington DC” reprinted in Evaluation Studies Review Annual, vol. 1, ed. G.V. Glass, Sage, Beverly Hills.
- Kelman, M. 1987, A Guide to Critical Legal Studies, Harvard University Press, Cambridge, Mass.
- 31-Kennedy, D. & Klare, K. 1984, “A Bibliography of Critical Legal Studies”, Yale Law Journal, vol. 94, no.1, pp. 461-90
- 32-Kennedy, D. & Klare, K. 1984, “A Bibliography of Critical Legal Studies” Yale Law Journal, vol. 94, no. 1, pp. 461-90
- 33- Knutsson, J. 1988, “Operation Identification: A Way to Prevent Burglaries? “ Research Division Report, no. 14, National Council for Crime Prevention, Stockholm.
- 34-Lea, J. & Young, J. 1984, *What is to be done about law and order?*, Penguin, Harmondsworth.
- 35-Mason, G. & Wilson , P. 1988, Sport , *Recreation and Juvenile Crime*, Australian Institute of Criminology, Canberra.

- 36-Meese , E. III& Carrico , B. 1990, “Takving Back the Streets” , Police Reviw , Washington. Metropolitan Police 1980, a Guide to Neighbourhood Watch Schemes, Inspector J. Russell, A7{3}, London , P.7.
- 37-Mukherjee, S., Neuhaus , D. & Walker , J. 1990, *Crime and Justice in Australia* , Anstralian Institute of Criminology, Camberra, P.25.
- 38-Mukherjee, S.K. & Dagger, D. 1990, *The Size of the Crime Problem in Australia*, 2nd edn, Australian Institute of Criminology, Canberrra.
- 39-Nowils, H.H. 1981, “Prevention is not Easy”, Man, Drugs and Society, Proceedings of the First Pan Pacific Conference on Drugs and Alcohol, AFADD.
- 40-Palumbo, D. & Nachmias, D. 1983, “The pre-Conditions for Successful Evaluation: Is There an Ideal Type?” Policy Sciences, vol. 16, pp. 67-79.
- 40- Potas, I., Vining , a. & Wilson , P.1990, *Young People and Crime: Costs and Prevention*, Australian Institute of Criminology, Canberra.
- 41-Potas, I., Vining, A. & Wilson, P. 1990, *Young People and Crime: Costs and Prevention*, Australian Institute of Criminology, Canberra.
- 42-Quinney, R. 1974, *Critique of Legal Order: Crime Control in Capitalist Society*, Boston, Little Brown and Co
- Roberts, C. 1989, *Putting Prevention into Action*, tape recorded Speech , USA. Robertson, D.1991, *The YALP-*

PCYC Connection: A Report to the Law Foundation of NSM and the Federation of Police Citizens Youth Clubs, University of Western Sydney, Macarthur, New South Wales.

43-Sallmann, P. & Willis, J. 1984, *Criminal Justice in Australia*, OUP, Melbourne.

44-Sampson, A., Stubbs, P. Smith, D. Pearson, G. & Blagg, H. 1988, «Crime, localities and the Multi-Agency Approach», *British Journal of Criminology*, vol. 28, pp. 478-93.

45-Sarre, R. 1989, «Fashioning Reality-The Relationship Between the Media and the Police» *National Police Research Unit Review*, vol.5, pp. 7-22

46-Scarman, L.G. Baron 1981, *The Brixton Disorders, 10-12 April 1981: «report of an inquiry»*, Cmnd 8427, Home Office, London.

47-Shearing, C. & Stemming, P. 1983, *Private Security: «Implications for Social Control»* *Social Problems*, vol. 21, Winter, pp. 165-74

48-Shearing, C. 1989, «Decriminalising Criminology: Reflections on the Literal and Tropological Meaning of the Term» *Canadian Journal of Criminology*, April, pp. 169-78

49-Sutton, A. 1991, «*The Bonnemaison Model: Theory and Application*» in Halstead B. (ed.) *Youth Crime Prevention, Proceedings of a Policy Forum* held 28 and 29 August 1990, Australian Institute of Criminology, Canberra.

- 50-Sutton, A.C. & Fisher, J.1969, *Confronting Crime- the South Australian Prevention Strategy*, Attorney General's Department, South Australia.
- 51-Taylor, I., Walton, P. & Young, J. 1973, *The New Criminology: For a Social Theory of Deviance*, Routledge Kegan Paul, London.
- 52-Victoria . Victorian Community Council Against Violence 1990, *Inquiry into Violence and Around Licensed Premises*, Melbourne.
- 53- Victoria. 1989, *Good Neighbourhood Program: Draft Guidelines*, Ministry of Police and Emergency Services, Melbourne.
- 54-Walker , J.& Henderson, M.1991, «Understanding Crime Trends in Australia», Trends and Issues in Crime and Criminal Justice , no . 28, Qustralian Institute of Criminology, Canberra.
- 55-Walker, J. & Henderson, M .1991, *Understanding Crime Trends in Australia*, Trends and Issues in Crime and Criminal Justice No.28, Australian of Criminology , Canberra.
- 56-Weatherburn, D. & Devery, C. 1991, *How Violent is Australia?* in Australian Violence:
- Wilkins, L. 1965, Some Sociological Factors in Drug Addiction Control” in Narcotics, eds D. Wilner & G. Kassebaum, McGraw Hill, New York.
- 57-Wilson, P. 1987, “Is Crime and Criminal Justice No. 2, Australian Institute of Criminology Canberra.

58-Young, J. 1971, "The Role of Police as the Amplifiers of Deviancy, Negotiators of Reality and Translators of Fantasy: Some consequences of our present system of drug control as seen in Notting Hill" in Images of Deviance, Chapter 1, ed S. Cohen, Penguin, Harmondsworth.

59-Zdenkowski, C. Ronalds & M. Richardson 1990, "Crime and Punishment in the Corporation: "Putting the Value Back in Punishment" Legal Service Bulletin, vol. 15, no. 6, December, pp. 239-47